

## بن بست قدرت (۲)

یکی از مهمترین مسائل که در سیستم تمرکزخشدن به امور تحت رهبری کابینه باید مورد توجه قرار گیرد این است که در هر مرحله ای که از نیمه دوم سال ۶۰ آغاز میشود و ائتلاف جدید شکل میگیرد ما با کمترین نفوذ ارگانهای با نام شوراهای عالی و همچنین تشکیل شوراهای عالی جدید اعم از اقتصاد، توزیع، تبلیغات و فرهنگ مواجه هستیم. این شوراهای که مرکز جمع و شکل گیری قدرت ائتلاف جدید هستند در خدمت جمع آوری ارگانها و نهادها متعدد تحت مرکزیتی واحد ایجاد میشوند. این شوراهای عالی ارگانهای گذار و واسطه ما بین دوره بهم ریختگی ناشی از وقوع انقلابات و نظام انقلابی بقیه در صفحه ۲

## تراژدی خاورمیانه

خاورمیانه ما فاجعه ای عظیم رو بروست. فاجعه سلطه ارتجاع تمام نیروهای ارتجاعی منطقه و جهان از تحولات سیاسی اخیر خاورمیانه که در پی حمله خیر اسرائیل به لبنان و آخر آن روزمندگان فلسطینی بهتر آمد، بوجد آمد و اسرائیل شمشیر و شاد فاشی می کنند. در شرایطی که جکمه های مزدوران صهیونیست در خون کودکان و زنان، پیر مردان و سالخورده گان فلسطین غرقه است و در شرایطی که سلاخان صهیونیست بر ویرانه های اردوگاههای خلق فلسطین و بر سر از گورهای دسته جمعی کشتارشدگان جشن برپا کرده اند مرتجعین سراسر جهان بفریگان این مسئله ارتجاع جهانی بخاطر پیروزیهای سیاسی و دیپلماتیکش تمهیت همگوش بلندگوهای تبلیغاتی ضد انقلابات جهانی از پیروزی بزرگ سخن میگویند و این در شرایطی است که قضایای لبنان را آمیزهای بقیه در صفحه ۲

### قسمت دوم

## پیرامون اعتصاب عمومی سیاسی

کرد موافق مشترکی که کارگران را در حرکت بعنوان توده های یک طبقه متشکل کرده بقیه در صفحه ۱۳

روح فعال سیاسی که در توده ها بارور شده و مسائل و مشکلات مشترک که توده ها را در حین مبارزه هم نزدیک

## خطاب به مبلغین در صفحه ۱۵



## جنبش مقاومت خلق کرد در صفحه ۱۸

در این شماره

### جنبش کارگری

در صفحه ۳

### یادداشت های سیاسی

۱. بازگشایی مدارس  
۲. "ضیافت سرمایه داران"  
در صفحه ۴

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

### نژادزی

بقیه از صفحه ۱

کرد هاست) گشته است. تردیدی نیست که این وابستگی اقتصادی کشورهای منطقه به سیستم جهانی اقتصاد امپریالیستی و سرمایه مالی جهانی منجر به وابستگی سیاسی این کشورها و استقرار رژیمهای بگسسی سرسبز در غالب کشورهای منطقه شده است.

ماستم وفارت امپریالیستی، نمیتوانست، منجر به یک مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی خلقهای منطقه نگردد. از اینرو مبارزه خلقهای این منطقه علیه سلطه امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده همس از جنگ جهانی اول شدت گرفت، و پس از جنگ جهانی دوم و ایجاد شرایط مساعد بین المللی برای نیروهای انقلابی جهان و بهزیان نیروهای ارتجاعی جهان به اوج خود رسید. در این میان شکل گیری دولت صهیونیستی اسرائیل و در مقابل آن جنبش انقلابی خلق فلسطین به مبارزات خلقهای این منطقه علیه امپریالیسم و ارتجاع ابعاد تازه ای بخشید. اما این جنبش ها از همان آغاز از یک کمبود واقعی رنج میبرد. این کمبود فقدان نقش رهبری کننده طبقه کارگر و فقدان یک خط و مشی بگلی انقلابی بود.

ضعف عینی و ذهنی طبقه کارگر، تسلط ساختهای ماقبل سرمایه داری تا حد ساختهای عشیرتی در برخی از کشورهای این منطقه و در نتیجه نقش بسیار محدود کارگران در زندگی اقتصاد این جوامع و از سوی دیگر ناتوانی احزاب کمونیست در هدایت و رهبری مبارزه ضد امپریالیستی توده های منطقه منجر به تقویت روز افزون نقش بورژوازی و خرد بورژوازی در رهبری این مبارزه تحت لگوای ناسیونالیسم عربی گردید. بتدریج که این جنبشها اوج میگرفت، در برخی کشورهای منطقه، دولتهای ملی با شرکت بورژوازی ملی و خرد بورژوازی بر سر کار آمد و در محدود معینی که خرد بورژوازی قادر به مبارزه با

امپریالیسم است، نقشی مترقی در منطقه ایفا کردند. اما روشن بود که این دولتها بنا به سرشت طبقاتی خود نمی توانند، پیگیرانه مبارزه خود را ادامه دهند و توده ها را تساهل

از صدای چند تن آور زنجیرهای بولد وزر که آخرین بقایای قتل عام رامپوشاند، با فریاد خشم فروخته خلاق فلسطین و شیون وزاری معدود بازماندگان پوستانید هاست. تمام نیروهای انقلابی جهان، همه کسانی که به درگونی انقلابی جهان بفره های بشریت از بوع ستم و استثمار، امپریالیسم و ارتجاع ایمان دارند تا سرف خود را از تحولاتی که به ریان نیروهای انقلابی منطقه بوقوع پیوست ابراز امید دارند و بدین طریق همدردی خود را بویژه با خلق قهرمان فلسطین نشان میدهند. آمانه ابراز تا سرف و نه اعلام همدردی و پشتیبانی از خلق فلسطین هیچیک به تنهایی کافی نیست، باید که ریشه های اجتماعی - تاریخی و علل این شکست که باید بر آن نام بیک تراژدی و فاجعه بزرگ تاریخی گذاشت روشن گردد. باید باین سئوالات پاسخ داد ه شود که چگونه پس از سالها مبارزه و قهرمانی خلقهای منطقه بویژه خلق فلسطین، اکنون سراسر منطقه خاور میانه و خلیج فارس جولانگاه امپریالیسم و ارتجاع شده است؟ چرا یکی از مهم ترین کانونهای مبارزه انقلابی در سطح جهان با آنها همه سابقه مبارزه در برابر تعرض امپریالیزم تاب مقاومت را از دست میدهد؟ و سرانجام مسئولیت این فاجعه غم انگیز بر عهد و عهد کسانی است و چه رسد بهایی باید از آن اموخت؟

خاور میانه در رزمه مناطق است که بنا به علل اقتصادی و سیاسی و نظامی در عرصه استهای بین المللی از اهمیت استراتژیک ویژه ای برخوردار است. این منطقه صالهاست که به اشکال گوناگون تحت سلطه امپریالیسم قرار داشته و بنا به اهمیت اقتصادی و نظامی خود، نقش نفوذ در سیستم جهانی غارت امپریالیستی و موقعیت استراتژیک منطقه بعنوان پل ارتباطی آسیا به آفریقا، اروپا و شبه قاره هند جایگاه ویژه ای در استراتژی راهزنانه بغارتگرانه امپریالیسم اشغال کرده است. سلطه طولانی امپریالیسم بر کشورهای منطقه و سازماندهی آنها بر اساس تولید واحد نفت در سیستم جهانی تقسیم کار اقتصاد امپریالیستی منجر به عقب افتادگی اقتصاد ای این کشورهای و وابستگی آنها به سرمایه مالی جهانی (که با هزاران رشته مرئی و نامرئی این کشورها را در بندار اقتصاد جهانی امپریالیستی محصور

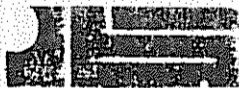
پیروزی نهایی رهبری کنند، از اینرو بزودی جنبه طبقاتی مبارزه شد پیدا تحت الشمام مبارزه ملی قرار گرفت و مبارزه ملی نیز با رشد بورژوازی در این کشورها و تمایل به سازش و محافظه کاری اهمیت واقعی خود را از دست داد. در همین ایام نیز عاملی دیگر مزید بر علت شد. احزاب کمونیست خاور میانه که نمیتوانستند با اعمال یک سیاست انقلابی در پیشاپیش جنبش قرار گیرند و مانع شکست آن گردند تسلیم سیاستهای تجدید نظر طلبانه و فرصت طلبانه خروشچف شده و بسا بدین روش را هر شد غیر سرمایه داری ابدی خروشچف و تمهین کنندگی رقابت اقتصادی در میان زمانه و آرد و نگاه از خط و مشی انقلابی عدول کردند و کم کم به زائید ه های خرد بورژوازی و بورژوازی بدل شدند.

در چنین شرایطی جنبش فلسطین نیز نمی توانست، از شرایط حاکم بر جنبش انقلابی خلقهای منطقه دور باشد. رهبری این جنبش نیز در دست بورژوازی و خرد بورژوازی قرار گرفت و با گذشت زمان مدام از جنبه های طبقاتی و انقلابی این مبارزه گاسته شد و جنبه های محافظه کارانه آن رشد کرد، بنحوی که در این اواخر رهبری این جنبش بعود اتخاذ یک خط و مشی انقلابی و اتکال بر توده های عرب به مسیر بند و بست های دیپلماتیک و نزدیکی هر چه بیشتر با دولت های مرتجع عرب کشیده شد. آنها نیز با کمکهای مالی و تا حدی حمایت سیاسی و جنبش فلسطین میکوشیدند، با ایدامن زدن به ناسیونالیسم عربی که اکنون در یکرا از هرگونه محتوای انقلابی تهی گشته و بصورت ایدئولوژی بورژوازی عرب درآمده است، مانع رشد مبارزه طبقاتی در منطقه شد و جنبش فلسطین را نیز از مسیر انقلابی خود، که نمیتوانست از تاثیر انقلابی بر سراسر منطقه بر جای بگذارد منحرف سازند. اوضاع بر این منوال بود که انقلاب ایران یارقه امید در سراسر منطقه پیدا آورد.

درست در آن هنگام که تحولاتی بطبی و آرام بهزیان نیروهای انقلابی در منطقه در حال شکل گرفتن بود و سرسبزگی سران مصر زمینه های یک تحول سیاسی ارتجاعی را در منطقه فراهم میکرد، انقلاب ایران همانند زمین لرزه ای نیرومند سراسر منطقه را به لرزه در آورد جنبشهای انقلابی منطقه محرکی تا ز میافت و با سرنگونی

بقیه در صفحه ۱۲

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



# جشن گارگری



تمامی این عده از عوامل رژیم بودند. رژیم از تاکسیرانان خواست تا ۹ نفر از این عده را برای تعاونی انتخاب نمایند.

روز ۹ شهریور قریب ۷ هزار نفر از تاکسیرانان بار و حیه عالی و خاکت تعرضی در چهار راه طالقانسی - مصدق اجتماع نمودند. رژیم تصور میکرد میتواند با انتخابات قلابی عوامل خود را بر سر نوشت تاکسیرانان حاکم گرداند اما برعکس تاکسیرانان آمد بودند تا با عوامل رژیم تصفیه حساب نمایند. تاکسیرانان در اولین فرصت بر علیه حذف کاندیداهای اعتراض نمودند. گروه گروه تاکسی رانان اجتماع کردند و دست به افشاکری علیه نمایندگان انتصابی قبلی و نیز انجمن اسلامی و کاندیداهای فعلی زدند. عده ای میگفتند "اینها پاسدارند که به لباس مادر آمد هاند." کم کم اجتماع تاکسیرانان تبدیل به حرکت اعتراضی علیه شهرداری گردید تاکسیرانان خواستار کوتاه شدن - بقیه در صفحه ۱۱

## انتخابات فرمایشی تعاونی

### با تخویم فعال تاکسیرانان، رژیم شکست

ومبارز و داندن آنها به عوامل خود از جمله پاسداران کوشش نمودند. حذف کاندیداهای برای خود دست و پیاکنند. پیر از آن رژیم تاریخ انتخابات را اعلام نمود و از رانندگان خواست کاندیداهای خود را معرفی نمایند تا صلاحیت آنها مورد تأیید قرار گیرد. حدود ۱۰۰ نفر خود را کاندید نمودند لیکن رژیم از این تعداد فقط صلاحیت ۴ نفر را تأیید نمود که بیشتر از ۲ نفر آنها از عناصر معلوم الحال و عوامل رژیم بودند بقیه کاندیداهای لایزال نامعلوم ا حذف شدند. رژیم تصور میکرد با این حيله خواهد توانست عوامل خود را حاکم بر سر نوشت تاکسیرانان نماید. لذا واسطه مرداد ماه تاریخ انتخابات اعلام داشت. حدود ۲ هزار نفر در تاریخ فوق در پارک شهر اجتماع نمودند. لیکن چون حد نصاب لازم در انتخابات شرکت نکرد بودند در انتخابات برگزار نشد. تاکسیرانان از فرصت اجتماع استفاده نمودند و به افشای انجمن اسلامی و عوامل رژیم پرداختند.

تاریخ انتخابات در ور بعد برای ۹ شهریور تعیین گردید. اما رژیم که روحیه مبارزاتی تاکسیرانان را دید و بود شدیدا به وحشت افتاده و دست به اقدام احمقانه دیگری زد. بطوریکه از ۴ کاندیدای مورد تأیید خود تنها ۱ نفر را باقی نمود و بقیه را حذف کرد.

تاکسیرانان رحمتکش همانند سایر زحمتکشان بیبهتمان، پس از قیام خواهان بر آورد شدن خواستههای برحق خویش بودند و برای کسب حقوقشان چندین بار دست به اعتصاب و اعتراض زد هاند. خواستههای عمده تاکسیرانان، بیمه، بازنشستگی - تامین وسایل زندگی - انتخابات آزاد نمایندگان واقعی تاکسیرانان برای تعاونی و حسابرسی دقیق اموال شرکت - مجازات غارتگرانی که از جانب رژیم ضد خلقی شاه حمایت میشدند بود هاست. مبارزه تاکسیرانان پس از قیام، رژیم جمهوری اسلامی را محبور به عقب نشینی نمود و در اواخر سال ۹۰ اعلام داشت که انتخابات تاکسیرانان جهت انتخاب نماینده در اوایل سال ۶۰ برگزار خواهد شد اعلام این خبر موجب شد تا تمام محفلهای تاکسیرانان به کانونهای افشاکری علیه رژیم تبدیل شود. افشای انجمن اسلامی و نمایندگان انتصابی دولت نشان داد که رژیم از بیابانی در میان تاکسیرانان برخوردار نیست. لذا کوشش برای جلوگیری از انتخابات آزاد آغاز شد. با آنکه رژیم قول برگزاری انتخابات در اوایل سال ۶۰ را داده بود اما به وعده خود عمل ننمود. همراه با یورش رژیم برای سرکوب توده ها و نیروهای انقلابی در میان صنایع تاکسیران نیز دست به حيله کثیفی زد. بطوریکه با مصادیر تاکسی عناصر پیشرو

## اخبار کوتاه کارگری

پارس متال ۵/۱۲ / : روز پنجشنبه کارت ساعت ۱۱ نفر از کارگران را برداشته بودند از این عده برخی اعضای سابق شورابودند. برخی از آنان نیز گویا در تهیه طوماری که منجر به برکناری سرپرست حزب اللهی قسمتشان شد بود شرکت داشته اند. بدنبال این امر این عده به دفتر مدبر فرقه شدت اعتراض میکنند و مدبر را به باد ناسزا میگیرند. رسیدگی به کار این زحمتکشان به روزهای بعد موکول شده است.

کارگران (حدود ۱۰۰۰ نفر) به علت اعتراض به کیفیت پایین صبحانه از خوردن آن خودداری کردند فردای همان روز صبح به کارگران چلو مرغ دادند و پس از آن نیز کیفیت صبحانه بهتر شد.

راه آهن ۶/۹ / : در یکی از قسمتها نماینده بسیج وزارت کار برای تشکیل انجمن اسلامی به کارخانه آمد و پس از صحبت های مفصل در مورد وظایف انجمن از کارگران می خواهد تا برای عضویت در انجمن کاندید شوند هیچکس حاضر به عضویت در انجمن نشد و این مساله اکنون به فراموشی سپرده شده است.

دین پاکستر ۵/۲ / : عده ای (حدود ۵ نفر) از کارگران ساختمانو به علت تقاضای جمععی در مورد پرداخت حقوق روزهای جمعه و بیمه توسط مدبر اخلی اخراج شده اند.

قرقره زیا او اخر مرداد : انجمن اسلامی از کارگران دعوت کرد تا چند نماینده هم برای شرکت در انجمن اسلامی از بین خود انتخاب کنند. کارگران با طرح این مساله که این کار یعنی انتخاب جاسوس حاضر به انتخاب نشدند و تنها یک نفر خود را کاندیدای این عمل شد. قرقره زیا ۶/۳ / : تقریبا تمامی

دهری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلعهای ایران است



۱. بازگشائی مدارس

اول مهر ما مبارک یگرمدرس باز شد. بار دیگر حدود ۱۰ میلیون دانش آموز گرد هم آمدند. رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست که در مدارس هیچگونه پایگاهی ندارد. این سالها نه تنها بر خاسته از آنست که رژیم پایگاه خود را در میان وسیعترین اقشار توده ها از دست داده است بلکه ویژگی دانش آموزان جوان سیاسی بودن آنها، تجربه وسیعشان در رابطه با انقلاب بعنوان یکی از فعالترین اقشار شرکت کنند در اعتراضات و مبارزات خیابانی و... نیز این امور را تشدید میکند. وحشت بی پایان رژیم در رابطه با مدارس نیز از همین روست. پیام خمینی در رابطه با بازگشائی مدارس تلبسور این وحشت است، خمینی در پیامش که گویی با جشنی برون آمدن از حد قه نوشته شده است همواره مراقبت و جاسوسی از همه را میخواند، دانش آموزان را به مراقبت از معلمین و دبیران، معلمین و دبیران را به جاسوسی از دانش آموزان، مربیان امور تربیتی را به جاسوسی از تمام آنها، دانش آموزان را به مراقبت از یکدیگر و همچنین دبیران و معلمین را به زیر نظر گرفتن هم، والدین را به زیر نظر داشتن فرزندانشان، و مسلما همانگونه که در سال قبل شاهد بودیم فرزندانشان را به جاسوسی کردن از والدین و خانواده، خلاصه مطلب خمینی که بیش از پیش سراسیمه سینما بد همرا به زیر نظر داشتن یکدیگر میخواند و این از آن روست که گروههای جیبی روسی و آمریکا - بی و منافقین ممکن است همرا فریب دهند، از آن روست که دشمن ممکن است نفوذ کند و دانش آموز یا معلم ویا هر دو را به گروههای خود جذب نماید. در اینجا خمینی گوشه ای را نیز به این امر اختصاص میدهد که گویا "آن پدر و پسر" موفق شده اند بخوبی دانش آموزان و دانشجویان را با روحانیون دشمن کنند و توصیه میکنند دانش آموزان این امر را در خود بزرایند. باید گفت این وحشت که سرایای وجود رژیم، و از آنجمله خمینی را فرا گرفته است بجلسته

این امر تبلور مادی خود را در کنترل وسیع پلیسی و حتی نظامی مدارس می یابد. رژیم میبوشد چون سال قبل و حتی شدید تر از آن مدارس را به پای دگانی حفاظت شده و یا به زندانی غیر رسمی بدل سازد بر تفتیش بدنی، بد آنگونه که کیه گشتن بزرگ بزرگ کتب به تفتیش در لایبای غذای ظهر دانش آموزان انجام مید، بکارگیری جاسوسان بجهت در صفحه

۱۱. "ضیافت سرمایه داران"

در نشریه کار شماره ۵۶ گفتیم "با هر چه فیکتر شدن صف بندیهای طبقاتی، با صف آرای هر چه وسیعتر توده ها در مقابل رژیم، بارنگ باختن کامل آرزوهای چون برادری و برابری همگانی رژیم که در یکسوی در حفظ ماسک انقلاب ندارد. اینبار چهره کریه و عریان خود را به نمایش در آورده است. پاسداری از نظم سرمایه است. کنار زدن ماسک انقلاب، دعوت صریح و بی پرده از سرمایه داران جهت بهره گیری از محیط مساعد سرمایه گذاری آنچنان از روند سرمایه گزاری برخوردار است که میتوان گفت در هفته های اخیر گذشته از عوایدی در رونی - محور اصلی بحث سران را تشکیل میدهد. رژیم اینک از تمامی منابع و ابزارهای دیگر تریبونهای خود به ارسال کارت برای سرمایه داران و دعوت آنان به میهمانی نظم و امنیت و جیپا و استشار مشغول است - داشتن گلاشه رسمی برای حضور در میهمانی ضروری است!

توکلی وزیر کار بار دیگر رایسن زمینه پیشتاز است. وی در سخنرانی خود برای جمعی از نمایندگان سرمایه داران که در سمینارمدیران گل کار و امور اجتماعی جمع آمد هاند میگوید "اگر اطمینان اقتصادی برای سرمایه گذاری در تولید توسط تبلیغاتچی ها و چپ زده های آمریکایی از بین نصیرفت تورم پولی... را میشد بنا اجرای سیاست و برنامه ریزیهای صحیح و جذب آنها در تولید کم کرد و با گردش سرمایه در تولید موجب رونق اقتصادی شد. صعی ما بر این است که ایمن اطمینان را مجددا بر گردانیم خصوصا برای آن دسته از سرمایه داران - مسلمان و متعهد و با آبرو که بدلیل جو سازیها کنار رفته... (گهبان - ۱۷/۶/۶۱) در همین حول و حوش معاون امور بانکی وزارت امور اقتصادی و دارایی، امیراصلاتی، نیز در سمینار بررسی مسائل صنایع کشور، نویسد میدهد که "بمد از این بانکه باید با هم رقابت کنند و هر بانکی که تسهیلات بهتری در اختیار مشتری بگذارد

یادداشت‌های سیاسی

میتواند آنها را حدب کند (اطلاعات ۱۵/۶/۱) و هاشمی وزیر صنایع نیز در مورد کمک به بخش خصوصی میگوید دولت در این زمینه همه گونه تسهیلات لازم را چه در خصوص پرداخت وام - بانکی طبق ضوابط بانکها و چه در مورد صافآب و برق برای بخش خصوصی فراهم خواهد آورد... (اطلاعات ۲۱/۶/۱)

این پنجه های قدرتمند بحران است که با افزایش فشار خود بر گوی رژیم بدینگونه برده ها را میدرد. و باعث میگردد نه تنها دولت و کابینه - بدینگونه عریان سنگ سرمایه را بر سینه های خود خرد کنند بلکه سران "خط امام" نیز بکوشند حداقل مضمون اصلی رفرمهایی را که می طلبند برای سرمایه داران توضیح دهند، بکوشند روشن سازند که خواست آنان تنها مهان زدن برآزدهای انقلاب است و بس و گرنه حسارتی در بارگاه مالکیت و سرمایه را به هیچ روی نمی پسندند.

هاشمی رفسنجانی، که مدتهاست "خط امام" را از نظر اقتصادی - اجتماعی در نمازهای جمعه "توریزه" میکند در همین رابطه میگوید "اگر ما مجبور میشویم در قانون اساسی بگنجانیم که تجارت خارجی باید در ولقی شود، اگر مجبور میشویم تعاد و نیهاراد قانون اساسی بگنجانیم و مجبور میشویم... علتش چیه؟... اگر این زد بیهانه می شد اگر ایمن احتکارها و با زارسیاه ها پیدا نمیشد... هیچ نیازی به این حرفها نبود این نیروها بی که خرج کارهای اداری میشود منتقل میشد به بخش چهارم به بخش تولید و میرفت در نبال کارش اگر حرفهای هاشمی رفسنجانی را که هنوز نیا موخته سرمایه داران تا چه حد باید به صراحت سخن گفت به زبان صریح و روشن توکلی ویا بگرد و لگن دان کابینه برگردانیم بدینگونه میشود که "مشکل اصلی ما اینست که سرمایه ها تماما بسوی بخش تجاری، خدماتی، بسوی احتکار و با زارسیاه مروی آورده اند. اگر این سرمایه ها در بخش تولید منتقل شوند دیگر ما هم مجبور نمیشویم بقیه در صفحه ۵



### یادداشت‌های

#### ۱. مدارس . . . بقیه از صفحه ۴

حزب الهی در لباس انجمن اسلامی و یا شگردی جدید تری یعنی ثبت نام چند بسیجی در مدرسه، تقویت این امر به وسیله امور تربیتی یعنی جاسوسان حرفه‌ای و تعلیم یافته و علاوه بر آن اخذ تعهد نامه از دانش آموزان منی بر عدم فعالیت سیاسی، ارائه پرسشنامه جهت پرسشنامه جهت تحقیق کامل عقاید، جهت آگاهی از تمامی زوایای خانواده‌ی وی و نامی دانش آموز، تحقیق محلی بر مورد مملکت که همانا الزام به تائید آنان از سوی "نهاد انقلابی" و پاسحد محصل است و . . . تماما وسایل و ابزار رژیم در این رابطه است.

اما تجربه رژیم خاصه در سال گذشته بسیار نگرانست که تمامی این ابزار به هیچ روی قادر به کنترل نیروهای انقلابی در مدارس نیست، سردی است که منافذ بسیاری جهت عبور ایده‌های انقلابی در است و از سوی دیگر تنها شکل دفاعی است، کشیدن حافظ در ورد دانش آموزان جهت جلوگیری از رشد نیروهای پیشرو، از همین رژیم می‌کوشد در جوار تمامی این تمهیدات، به‌عوازت زد و بدن آثار انقلاب در جامعه سیاست حد این درس از سیاست را بشکلی وسیع در مدارس پیش برد. تاکیدات تمامی سران رژیم در نطق‌های اول مهرشان بهمین دلیل است. "مدرسه‌نگری است برای درین خواندن منتهی که سیاست را در آن راهی نباید چهار دانش آموز درس خواندن است" از انقلاب اینک چنین است و . . .

پیشروان انقلابی در رابطه با دانش آموزان با منبمی عظیم ارتیر و روبروست نیرویی که جهت وقوف به قدرت، تحرك و نقش آن در انقلاب کافیت نگرشی بر تجربه قیام بهمن ماه داشت. نیرویی که سازماندهی آن در جهت انقلاب و بروز هر چه پرولتاریا از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این رابطه نکاتی چند نیازمند تاکید مجدد است.

باید هر مدرسه در صورت عدم وجود - هسته‌ای متشکل از دانش آموزان انقلابی را بعنوان نقطه شکل وسیع دانش آموزان سازمان داد و بدین طریق هسته‌های کمیته محلی مدرسه را ایجاد نمود. این اولیین گامی است که پیش روی دانش آموزان خواهد افتاد قرار دارد. در این رابطه علاوه بر برنامه عمل سازمان مقالاتی از

نشریه کارنیز که در مورد نقش و ویژگی‌های کمیته‌های مخفی است رفقا را یاری میکند.

باید تبلیغ انقلابی را در مدرسه سازمان داد. سری مقالات خطاب به ملحقین، مقاله‌ها، مدرسه‌ها باید کرد (در نشریه کار) جهت اشکال پیشبرد این امر و ارگان سازمان جهت هدایت این حرکت و مشخه کردن محور و خط آن رفتار یاری برسانند. باید وقت پیشبرد تبلیغ انقلابی در مدارس در شرایط کنونی و شرایط متعدد در برابر و تر در این موارد سازمان به میان دانش آموزان و انطباق این مواضع و تحلیلها با مساله مشخص، ارائه نمود عمل در

جهت تشکل و مبارزه در آن مدارس و انگشت نهادن بر هر مورد خاص جهت

برانگیختن یک حرکت مبارزاتی، رسانیدن اخبار جنبش و در این رابطه شکل دادن به بیند بین مبارزات تمامی دانش آموزان با یکدیگر و برافشاندن و طبقات خلق از جمله اینها پاسد است اما در موقعیت مشخص

کنونی پیشبرد تبلیغ انقلابی در مدرسه نقش ویژه‌ی کمیته‌ی سرمی باید در آن شکستن جوهری و جوهری است که هنوز سابقه بر جای مانده بر سر توده‌ها

باقیست. بیان حضور پیشرو و اثری در ساختن عطی این جمعیت همراه برای مبارزه و حرکت با راست و زور سلاح و جوهره‌ها رهیب غلطی نمیتواند بکنند. این وجه از مساله نقش بسزایی در آزاد ساختن نیروهای بالقوه موجود در دانش آموزان خواهد داشت.

سلام در این رابطه بسته به میزان تشکل و سازمانی فکری نیروی پیشرو و همچنین شرایط مشخص موجود حرکت تبلیغی ابعاد متفاوتی از نوشتن بیگوشعار در مدرسه، توزیع مداوم اعلامیه و دستنویس تا ترور سرخ مزدوران و عوامل منفور رژیم کسدر راه مبارزات انقلابی دانش آموزان را بخود خواهد گرفت.

یک نکته دیگر نیز باقیست و آن مساله کلیدی در شرایط کنونی، یعنی تاکید ویژه بر سازماندهی نیروهاست. آزاد سازی نیروی آوری فعال آن به انقلاب تنها مرحله‌ای از عمل است اما جهت پیشبرد روند انقلاب در مکرراتیک خلق به مثابه انقلابی آگاهانه و سازمان یافته و نه خود بخود ی سازمان دهی نیروهای آزاد شده اهمیت بسیار دارد راست. انقلاب در مکرراتیک خلق را توده‌های وسیع اما بی شکلی که بصورت فعال به میدان کشیده

شدند و توسط رهبری بوجد و فشرده هدایت گردند نه توده‌ها مانند بلنگا پناز وسیعترین سازمانی فکری ممکن لازم است تا بتوان رهبری پرولتاریا را بر جنبش اعمار کرد و بتوان روند آگاهانه انقلاب را هدایت کرد. از همینروست که هر صورت تشکیلات کمیته‌های مخفی با احتیاطی وسیعترین نیرو جهت رشد در آن و وسیعترین وسیعترین توده‌ها را در آن سازمان می‌توانیم به دست آوریم و در این صورت می‌توانیم به دست آوریم و در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

در این صورت می‌توانیم به دست آوریم

### یادداشت‌های

بقیاض صفحه ۵

### ۱۱. ضیافت ...

تولید و بهره‌گیری از مواهب شرعی، یعنی سودهای حلال با تضمین ارائه اعتباراتنا محدود و تسهیلاتی چون آب و برق، حذف موارد زائد و حیاری چون تعامنیها و ولتی کرد نهاده آزاد نهادن رقابت جهت گردش سالمت سرمایه را تحدید میکنند. سلما حفاظت از نظم و امنیت میمانی نیز بعهد ده ستگا هریض و طویل سرکوب و جاسوسی است.

اما رژیم نقش بر آب میزند و مشت بر هوا میگوید. از سوسی روشن است که با بحران موجود، کمبود ارز، ورشکستگی مفرط، با عدم قدرت تامین عملی نیازهای حد اقل کارخانجات چون برق و آب سوخت و یا قوز بالا قوزی چون جنگ که نه میشود آنها را کرد، چون در بگرسنگ روی سنگ بند نمیخورد و نه میشود آنها را دآمداد چون تمامی تنه موجودی دولت را نیز میزند و پولی جهت ارائه اعتبارات و خدمات به سرمایه داران نمی نهد نمیتوان سرمایه داران را فریفت و آنان را با وعددهای شیرین و ادرا کرد دست از مشاغل بسودی چون رلاکی و تجارت و اختکار که متضمن بازگشت سرمایه سرمایه نیز هست بشویند و بسوی تولید روانه گردند یعنی خود را پای بند کارخانه با هزاران درد سر چون درصد بالای سرمایه ثابت و درگیری با کارگران نمایند آنها در شرایطی که هنوز مبارزه با اختکار و گرانی آنچنان است که بر رونق بازار میفزاید و بمجسرد او جگیری این مبارزه به قیمت هر قلم جنس چون سیگار و روغن و برنج و یا بخاری و یخچال و دیگر لوازم درصدی اضافه میگرد.

از سوسی دیگر با رژیم روشن است که برقراری نظم و امنیت زمانی که با هزاران رگبار مسلسل و جوخه اعدا میسر نشد است با صد و اعلامیه و اطلاعیه و یا بانطق سخنرانی تامین نمی گردد. سرمایه داران نیز آنگونه چشم و گوش بسته نیستند که صدای شلیک صد ها تیر در سطح شهرها را نشنوند و آگهی های ترحیم حزب الهی ها را نبینند، وحشت

مزدوران رژیم در سطح خیابانها را درک نکنند و تراشیدن بر سرشان پاسداران و انجمن اسلامپاران نشوند و فقط به نطق های سران در رابطه با برقراری نظم و امنیت و ثبات بسند و کنند. از همین روست که رژیم اینگونه ناز میگذرد و در باغ سبزشان میدهد اما با این وجود با رژیم در دشمنی علاج نمی گردد، سرمایه ها با فرمان او و حرکت در نمی آیند و با رژیم تنها راه چاره را در افزایش سرمایه آوردن و ادات و خرید کالا های مصرفی مورد نیاز از دستان غربی می باید.

تنها به چند نمونه کوچک توجه کنید: شرکت ایروزول اینترنشنال انگلیسی قرارداد ۳/۴ میلیون دلار جهت تحویل ۵ میلیون قوطی حشره کش با ایران بسته است. گروه تولیدی نیپون استیل ژاپنی قرارداد ۱۸۰ هزار تن تولیدات فلزی با ایران بسته است. شرکت تویوکویو ژاپنی در حد و ادات بیست ماه ۶۰۰ کامیون سبک به ایران فروخته و بیست بیلی میزند پس از جنگ ایمن تقاضای ۷۰۰۰ عدد برسد. شرکت نیسان در اول سال ۱۹۸۲ تعداد ۵ هزار کامیون ۲ تنی به ایران فروخته و بیست بیلی میزند این رقم افزایش باید. نیازی نیست در مورد واردات چون کره از ترکیه، روغن از ترکیه و یا مرغ و تخم مرغ و ارزن و برنج و ... نیز صحبت کنیم.

بهر رویارها گفته ایم عزیزم تمامی التماس و درخواستهای رژیم از سرمایه داران، سیل وارداتی که از مرزهای زمینی و هوایی و دریایی جاریست خود بحران زاست و به سر هم خوردن هر چه بیشتر تعادل سرمایه در بخشهای تجاری و تولیدی بسیاری میسازند و رژیم را بیش از پیش به سوی مرگ سوق میدهد.

اما بهر روی باید پرسید در قبال حرکت اخیر رژیم، در قبال پس رفتن پرده های فریب، در مقابل حمایتی بدینگونه علنی از سرمایه داران که شاهدیم وظیفه چیست؟ سخن بر سر این نیست که در شرایط کنونی باید توده ها را سازمان داد، باید کمیته های مخفی را در کارخانجات آنچنان گسترده گی برخوردار کرد و آنچنان کارگران وسیعی را حول آن متشکل ساخت که نه تنها رویا رژیم در بر راه اندازی چرخ پوسید سرمایه را به کابوس بدل ساخت بلکه مشت نیز بر

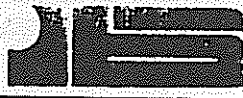
دهان معدود سرمایه هندی سرگردان و سرمایه داران طمع کاری گویند که دعوت رژیم را جهت حضور در ضیافت نظم و امنیت میپذیرند. این وظیفه مدتهاست پیش روی ماست.

سخن بر سر اینست که هر دو دری های رژیم زمین را پیش از پیش مساعد ساخته است تا بتوان خشم و کین کارگران را سمت و سویی هر چه بیشتر طبقا تنس بخشید. اینک عریانتر از همیشه ارتباط تمامی قتل و کشتارها، سرکوب و زندانها، ارتباط تمامی ستم و آزار و آمد از سوسی رژیم بر توده های زحمتکش با سرمایه و سرمایه داری روشن است. اینک رژیم خود، با زبان خود ماهیت کثیفش را بیان میکند.

در آخرین ارزیابی که در نشریه کار از دهنیات حاکم بر توده ها ارائه دادیم گفته بودیم، هر چند وسیعترین اقشار توده ها اینک خواهان سرنگونی رژیمند اما خشم و کینشان نه بر راستایی طبقاتی بلکه بر ضد آخوند، پاسدار، خمینی و ... متمرکز است و گفته بودیم که پیشرو و موظف است جنبش را بر راستایی طبقاتی سازمان دهد اینک زمینه پیش از پیش برای انجام این وظیفه آماده است. باید سخنان سران در حقیقت از سرمایه براه، میان کارگران و زحمتکشان برد. باید خط و مرز طبقات را در جنبش موجود پیش از پیش ترسیم کرد. و بدین طریق اعمال رهبری پرولتاریا، طبقه ای که پیش از همه از ستمگریهای موجود رنج میکشد را تدارک دید. باید با روشن کردن هر چه بیشتر بیوند تمامی ستم سیاسی که بر توده ها اعمال میشود با ماهیت سرمایه دارانه رژیم بغض و کین متراکم در کارگران و زحمتکشان را بسوی بنیان های نظم پوسید حاکم معطوف ساخت.

این امر نه جد از سازماندهی توده ها، نه جد از بسیج وسیعترین اقشار خلق بلکه در ارتباط تنگاتنگ با آن و در جهت هر چه قدرتمندتر ساختن نیروی است که متشکل میگردد. بدینگونه که کمترین میگوید: جمع کردن فعالیت سوسیالیستی و مکتبیک در یک واحد کل یعنی در یک مبارزه واحد طبقاتی پرولتاریا باعث ضعف جنبش در مکتبیک یا مبارزه سوسیالیستی نمی گردد، بلکه باعث تقویت آن میشود.

## هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



### پنجاهمین شماره

بقیه از صفحه ۱ مطلوب جامعه  
(سرمقاله جمهوری اسلامی ۱۷/۹/۶۰)  
میباشند بزبان دیگر شوراها عالی وظیفه دارند مرحله ادغام کامل نهاد های انقلابی در مائستی و ولتی بورژوازی را هدایت نمایند . شورای عالی در شرایط فعلی امکانهای متعدد در تصمیم گیری در جهت شورایی متعزز میکنند تا به مرور در جهت نظام وزارتخانه های آنها را در کنار نهاد رسمی کشور ادغام کنند . تضاد بین ائتلاف جدید و خط امام تجلی خود را به بهترین صورت در مقاومت ارگانهای تصمیم گیری و سردمداران خط امام در مقابل این شوراها نشان میدهد .

عالی تبلیغات و . . . که معروف شکل گرفته اند پایه های مادی شورای رهبری و دستگیرهای ائتلاف جدید علیه خط امام است .  
خط امام با دفاع از استقلال نهاد های مکتبی - غیررسمی ، استقلال مجلس و با دفاع از استقلال شورا های بخش و شهرستان و استان در مقابل قوه مجریه بهرود همگوشد از موجودیت خود در مقابل ائتلاف جدید دفاع کند . اینک به بررسی شورا های عالی و نقش تمرکز دهند آنها میپردازیم .

شورای نگهبان : ۶۱/۵/۶۱ مه دی کتی عضو فقهای شورای نگهبان در مصاحبه ای با اطلاعات گفت . . . . . شورای نگهبان اصرار دارد تمام نهاد های انقلابی بطریقی وابسته به دولت باشند . . . . . نه تنها نظر رسمی آقای کتی عضو فقهای شورای نگهبان بلکه عملکرد این شورا موید آن است که این ارگان به هر طریق میکوشد دولت را تقویت و خط امام را تضعیف کند . از یک جانب نهاد های انقلابی را به زیر سلطه دولت بکشاند و از سوی دیگر امکان سلطه پارلمان را در تمامی زمینه ها و از آنجمله در رابطه با اعمال فشار بر کابینه و شورای عالی قضایی محدود نماید تا در عمل پارلمان بزیر سلطه قوه اجراییه درآید .

ماده ۱۵ آئین نامه داخلی مجلس به هر نمایند ه حق میدهد وزرا را تحت تفحص و تحقیق قرار دهند . شورای نگهبان در ۲۳/۳/۶۱ ضمن بررسی آئین نامه مصوبه مجلس این حق را رد میکند و آنرا مغایر با قانون اساسی می شناسد . بدین ترتیب از حالت نمایندگان در کاروزرا جلوگیری میکند . طبق ماده ۱۶۶ همین آئین نامه رسیدگی به اتهام نمایندگان مجلس به کمیسیون قضایی مجلس و اگر نیاز شد هاست شورای نگهبان این ماده را نیز مغایر با قانون اساسی شناخته بعلت اینکه نافذ استقلال قوه قضائیه است رد میکند . مخالفت شورای نگهبان بر این اساس است که رسیدگی به اتهام نمایندگان مجلس حق قوه قضائیه است و مسلم است که با اعمال این حق نمایندگان زیر سلطه قوه قضائیه و ارگانهای اجرایی کشیده میشوند . از همین رو مجلس مقامت میکند و نظر شورای نگهبان را نمیپذیرد این مواد نیز مانند بسیاری از مواد دیگر صکوت میماند تا پیشرفت جریان امور ورود بر روی قوه قضائیه با مجلس بر سر رسیدگی به اتهام یکی از نمایندگان

انرا بشکل عملی خلع نماید . از سوی دیگر شورای نگهبان نقش جماعتی بر سر مجلس را داراست که اکثریت داشتن خط امام در مجلس را از کارایی می اندازد و باز کردن و پامسکوت نهادن لوایح و طرحهای مصوبه مجلس خط امام را در پارلمان یعنی یکی از مهمترین پایگاههایش فلج میسازد (به این موضوع باز خواهیم گشت) باید توجه داشت که شورای نگهبان صرفاً یک ارگان قانون گذاری است به همین جهت توان مقابله اثر با پارلمان محدود است و این محدودیت تنها با کمک ارگانهایی اجرایی چون شورای عالی قضایی و کابینه قابل رفع است . همین نیاز به اتحاد این سه ارگان در جهت پیشبرد سیاستهای ائتلاف جدید می انجامد .

شورای عالی قضایی : همانگونه که در کار ۱۵۳ نوشتیم نهاد های دولتی که در ارتباط مستقیم با توده ها بایند تحت فشار آنها از چهار چوب قانون فراتر میروند . . . . . مجبورند در جهت جلوگیری از انفجارهای شدید توده های قوانین را زیر پای بگذارند در این میان نمایندگان سیاسی روابط عقب ماند سرمایه داری نیز برای تحت فشار قرار دادن رژیم و گرفتن امتیاز به نفع منافع قشری طبقاتی خود در سخنرانیها و روابط خود با نهاد های انقلابی این اعمال را اامن میزنند و بدین ترتیب موجب اخلال در برقراری نظم و امنیت مطلوب سرمایه انسد . ایجاد امنیت برای سرمایه بدون ایجاد یک دولت قوی و متمرکز ممکن نیست . از همین رو ست که شورای عالی قضایی با پیام خمینی حمله همه جانبه ای بر اسیاسیه و کمیته ها آغاز میکند .  
خمینی در تاریخ ۱۷/۹/۶۰ در پیامی خطاب به شورای عالی قضایی میگوید . . . . . افراد غیر مسئول احتمالاً از گروه های منحرف و گاهی مقامات مسئول برخلاف مقررات بطور سر خود به تقسیم املاک و مصادر ره اموال اشخاص میپردازند مقرر فرمائید که . . . . . مقامات مسئول مورد نظر خمینی چه کسانی هستند ؟ همانروز موسوی اردبیلی طی مصاحبه ای میگوید . . . همه میبایست به قانون احترام بگذارند آنان که در سخنرانیها و اجرای قانون اعمال سلیقه میکنند باید بدانند برخلاف خطی هستند که دولت میدهد پیروان پیام و این صاحب دستان کل انقلاب طسیر اطلاعاتی مقامات مسئول مورد نظر بقیه در صفحه ۸

بالاترین شورای عالی ، شورای رهبری است که همه آنهاست حجتیه ای ها آنرا مطرح میکنند و اینک با حاد شدن اختلافات زمینه تشکیل آن فراهم شده است . هاد وی عضو حقوقد این شورای نگهبان در ۱۲/۵/۶۰ میگوید . . . . . مجلس خبرگان باید تشکیل شود و مانند مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان بعنوان یک نهاد دائمی همیشه وجود داشته

باشد . . . . . هدف از تشکیل مجلس خبرگان جانشین مقام رهبر نیست . . . . . امام هم بر تشکیل مجلس خبرگان تاکید فرموده اند . . . . . برگزاری انتخابات منوط بدستور امام خمینی . . . میباشد (اطلاعات) بر طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی برای جانشینی مقام رهبری خبرگان منتخب مردم . . . هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را بعنوان رهبر مردم معرفی مینمایند و گرنه سه یا

پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی میکنند . خط امام با تشکیل این شورا بشدت مخالف است اما همانگونه که جریان امور شورا های عالی اقتصاد ، توزیع ، تبلیغات و . . . راه و تحمیل کرد این شورا نیز باین اثر شدن نقش خمینی در معادلات سیاسی و اختلافات در جناح بر او تحمیل خواهد شد .

شورای عالی دفاع ، شورای نگهبان ، شورای عالی قضایی ، شورای عالی اقتصاد ، شورای عالی توزیع ، شورای

## پیر و زیاد مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران



خمینی را مورد خطاب قرار داده آنها را به پیروی از قوه قضائیه تهدید میکند . . . پاسداران سپاه و کمیته ها

بدون کسب مجوز قانونی از مراجع قضائی به هیچوجه حق احضار، دستگیری، توقیف و ضبط اموال را ندارند . . . در غیر اینصورت تحت پیگرد قانونی قرار میگیرند . . . در ۶۰/۹/۱۸ شورای عالی قضائی طی نامه ای خواستار رسیدنی بازرسی کل کشور به همه تخلفات موسسات دولتی و انقلابی میشود و در ۶۰/۹/۱۹

بازرسی کل کشور طی نامه ای به نخست وزیر و شورای سپاه پاسداران میخواهد سپاه از شتابزدگی و دخالت در امور قضایی و اجرای قانون خارج از صلاحیت خود جدا اجتناب ورزد . در مقابل موضع گیری مسئولین مختلف در مقابل بهام امام، موضعگیری نرم و چنانچه بهلولی رفسنجانی تلاش بههوده "خط امام را در حفظ استقلال این نهادها به نمایش می نهد" . . . به برادران عزیز می که با حسن نیت احیاناً تخلف آنها باعث ضرورت چنان پیامی شده است اطمینان میدهم . . . نیازی به عجله نیست .

تلاشهای همه جانبه شورای عالی قضایی که بقول اردبیلی "خط دولت را پیش میبرد چند ماه بعد بالاخره به پارمی نشینید و لایحه میل و مقاومت "خط امام" در ۶۱/۵/۵ مه دی کتی طی مصاحبه ای اعلام میکنند که "۳۴ خبر را طی تبصره های کمیته ها زیر نظر وزارت کشور و وابسته به آن وزارتخانه قرار گرفته اند" . به دلیل همین اعمال قدرت شورای عالی قضایی در پیشبرد اهدافش است که در روز بعد از بهام امام احمد عطاری نمایندار از بهام عصبانیت در مجلس فریاد میزنند . . . قوه قضائیه هم اینک در بنساخته دیوار بلند و دست نیافتنی قرار گرفته که هر عملی در آن میتواند واقع شود بی آنکه تحقیق و تفحص در زمینه آن بسیار گمی ممکن باشد و این فریبکار "خط امام" است که عملکردهای شورای عالی قضایی و کابینه را در پیس دیوار بلندی دست نیافتنی می یابد.

اما فعالیت شورای عالی قضائی در تثبیت نظام وزارتخانه ای (اصطلاحی که نشریه دانشکده انقلاب بکار میبرد) به کمیته ها و سپاه ختم نمیشود و در گامهای انقلاب را نیز در تیررس قرار میدهد . در ۶۱/۳/۱۱ آیت الله ربانی املشی در استان کل کشور میگوید . . . مشکل اصلی ما که سبب شد طرح ادغام دادگاههای انقلاب و دادگستری را مطرح کنیم همان

تجدید بنیاد  
بقیه از صفحه ۷

دوگانگی قوه قضائیه است برای این کار تا جایی که ممکن است بدون تصمیم مجلس پیش میرویم و هر جا که به اشکال برخوردیم و احتیاج به قانون جدید داریم لایحه ای نیز تنظیم کرد ما را به مجلس خواهیم فرستاد شورای عالی قضایی بدینگونه در پشت دیوار بلند و دست نیافتنی قدرت خود حتی مجلس را نیز به هیچ میگرد. موسوی اردبیلی نیز مسأله ادغام دادگاههای انقلاب در دادگستری را طرح میکند و در اینجاست که موسوی تیریزی در استان کل انقلاب اسلامی در دفاع از حفظ استقلال نهادهای ضد انقلابی، خط شورای عالی قضایی را که به گفته موسوی اردبیلی خط دولت است بزرگ سوال میکند . . . امروز مسأله ادغام را مطرح کردن باری بهنگای بقای انقلاب است . . . من به آنها می گه این حرف را مطرح کرد ماند بد بین نیستیم ولی عهد ما این است که این خط خط کیست که به اینجاست

رسید ما است ۵۵ دادگاههای انقلاب باید باشد (۶۱/۳/۱) اطلاعات) و سید محسن موسوی تیریزی نمایندده تیریزی در ۶۱/۳/۱۹ در توضیح این مسأله که این خط خطی که شورای نگهبان، شورای عالی قضایی و کابینه تمام نیروی خود را جهت پیشبردش بکار گرفته اند خط کیست میگویند "از جمله خطوط انحرافی و غرب گرا که بدست انقلاب اسلامی و به همت مردم مسلمان منزوی شد و به مردم گان سیاسی پیوست و عمر سیاسی آن پایان پذیرفت خط نهضت آزادی است . . . من امروز بهائمه محترم جمعده بعضی از فضلا حوزده و بعضی نمایندگان و برادر عزیز و بزرگوارمان آقایها شمس هشدار میدهم که آمریکا حرکت جدیدی و نقشه جدیدی را در داخل کشور آغاز کرده است و میخواهد این خط را از انزوای بیرون بیاورد و در رازمدت باز هم از این خط بهره ببرد .

قوه مجریه : قوه مجریه بنا به بنیاد لیبیرال - بوروکراتیک خود جایگاه و زانگاه واقعی اکتلاف جدید است و خطوط اساسی این ائتلاف را به بارزترین و پیگیرترین صورت در نیبال میکند . از این نظر هم پیش از دیگر ارگانها در تیررس تهاجم خط امام قرار دارد . در ۶۱/۹/۲ از موسوی نجیبست

وزیر سوال میشود به نظر شما رابطه واحد نهضت های آزاد بخش سپاه با وزارت امور خارجه چگونه باید باشد ؟ موسوی نخست وزیر پاسخ میدهد . . . وزارت امور خارجه از نظر خط سیاسی باید در کشور ما حاکمیت داشته باشد . . . اگر بخوایم قاطعانه عمل کنیم باید یک حد اوجود داشته

باشد و از یک کانال صد اجریمان بپردا کند . به همین جهت ما باید سعی کنیم که وزارت امور خارجه را در این زمینه یاری کنیم و قوت بیشتری بها و بدیم (روزنامه جمهوری اسلامی) . این قاطعیت ریاست کابینه در تمرکز امور، تحلی خود را در تشکیل شوراهای عالی و از آنجمله شوراهای عالی توزیع و اقتصاد بخوبی نشان میدهد . در ۶۰/۹/۱۰ طی اطلاعیه ای تشکیل شورای عالی اسلامی نظارت بر توزیع عادلانه کالا تحت ریاست سرپرست

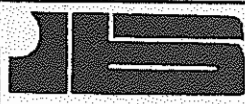
شهر داری تهران اعلام میشود . در ۶۰/۹/۱۶ صانعی پور سرپرست استان داری تهران و رئیس شورای عالی نظارت بر توزیع در مورد عظمت تشکیل آن میگوید . . . مهمترین عاملی که باعث تشکیل این شورا شد کند شدن توزیع در فترجه های سهمیه خواربار و عدم تطبیق تقسیمات ۲۰ گانه

شهر داری با تقسیمات ۱۴ گانه کمیته ها بود چون توزیع کالا ه ل منطقه ای انجام میشود بنا بر این لازم بود که بهین مناطق مختلف و ارگانهای مسئول هر منطقه هما هنگی بوجود بیاید . بنا بر این تصمیم گرفته شد از کمیته ها کسه سرپرستی آنها پاروحانیت سازمان است . ۲ نماینده شرکت کنند که در واقع هم نمایند کمیته هم نمایند کمیته مرکزی هستند و این عهد بر اساس تقسیمات

شهر داری عمل خواهند کرد . . . در شورا ی عالی توزیع وزارت بازرگانی مسئول تهیه کالا است، طرح توزیع و تقسیم کالا با ستاد بسیج اقتصادی است و استانداری عامل اجرای آن

است کمیته ها بعنوان ضابطه من در دادگستری و جوامع روحانیت سازمان بعنوان هما هنگ عمل خواهند کرد مدتها بود که در جریان متخاصم "خط امام" جریان حاکم در ستاد بسیج اقتصادی (و حجتیه در مورد تسلط بر توزیع داخلی کشاورزی داشتند با این طرح توزیع داخلی تحت کنترل و اداره کامل دولت قرار گرفت و ستاد بسیج اقتصادی نقش تعیین کننده خود در توزیع را کاملاً به وزارت بازرگانی به عنوان تهیه کننده کالا و استانداری بعنوان مجری بقیه در صفحه ۹





بقیه از صفحه ۸

حوزه معاونت امور نهادها تأسیس گردیده است. . . (کیهان ۶۸/۶۱)  
وید نهال آن موسوی در مصاحبه‌های در  
۶۱/۴/۱۰ میگوید انجمنهای اسلامی برای آنکه بتوانند هم چنان به عنوان یک نهاد انقلابی کوشش داشته باشند. . . نباید در امور مربوط به مدیریت دخالت داشته باشند. یک وزیر یا مسئول قبل از اینکه بر برابر انجمنهای اسلامی پاسخگو باشد در برابر مجلس و هیات دولت باید جوابگو باشد.

در سال ۶۰ شورای عالی تبلیغات سازمان تبلیغات اسلامی و شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی را تحت رهبری وزیر پوشش خود میسر در مقاومت خط امام به حد شد ز تصاد شرابا انجمنهای اسلامی و دیگر بخشهای تبلیغاتی نهاد های انقلابی می انجامد. شورای این زمینه دست بدامن خصی می شود و وظیفه ای مینویسد اگر بخواند این حرکت فعل و گسترده شود بایستی با همکاری سازمانها و نهاد های دولتی و ارگانهای انقلابی باشد و این همکاری جز تأیید و تصویب مقام معظم رهبری میسر نیست خمینی بر رهبری شورا صحنه مینهد و در پاسخ خود در ۱۰/۴/۶۱ مینویسد لازم است نهاد های دولتی و ارگانهای انقلابی و زیربسط در این وظیفه الهی با شورای مدکور همکاری جدی نمایند. . .

در ۲۷/۴/۶۱ از سوی علی اکبر پرورش و وزیر آموزش و پرورش لا یحه یک فوریتی تشکیل شورا ای عالی فرهنگی جمهوری اسلامی تقدیم مجلس میشود. پرورش ضمن ارائه لا یحه میگوید در مساله ای که ما بر آن داشت که این لا یحه را تقدیم مجلس کنیم چند چیز بود یکی وجود شوراهای متعدد و مراجع مختلف تصمیم گیری. . . که در حقیقت تداخل و تفرقه ایجاد میکند و اگر این شورا بوجود آید میتواند مسائل فرهنگی جمهوری اسلامی را از سیاست واحد و نظام واحد برخوردار نماید.

خط امام در مقابل این لا یحه می ایستد و آنرا رد میکند.  
نشریه دانشگاه انقلاب ماهنامه جهاد دانشگاهی در شماره مرداد ماه خود در ضمیمه شماره ۱۴ به تحلیل و بررسی طرح شورای عالی فرهنگی میپردازد. این تحلیل هر چند رو بسه بقیه در صفحه ۱۰

باز من گیری لا یحه مربوط به مراکز خدمات روستایی توسط دولت از مجلس بود و خواهان توقف سر بیع تشکیل این مراکز توسط وزارت کشاورزی و انتقال امکانات آنها به جهاد هستیم (اطلاعات ۳/۱۱/۶۰) خط امام فریاد میکشد، دولت راه خود را میروند.

در اواخر سال ۸۰ از سوی شورای انقلاب هیاتی بنام کمیته کالای متروکه با شرکت نمایندگان بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفان، جهاد سازندگی و نماینده در استانهای کل کشور بعنوان ناظر تشکیل شد. این کمیته نیز مورد هجوم دولت قرار گرفت. خزاعی مخبر کمیسیون اقتصاد و اداری در این رابطه میگوید بعد از مدتی که وضعیت دولت تثبیت شد. . . و قرار شد امور اجرایی در تمام کشور در کانال

اختیارات دولت قرار گیرد طبق لا یحه دولت قرار شد اختیارات کمیته کالای متروکه به هیات تعیین شده از سوی دولت واگذار شود (کیهان ۶۱/۵/۲)

از دیگر ارگانهای دست و پا گیر قوه مجریه انجمنهای اسلامی هستند عا تقصد یقی در ۲۶/۲/۶۱ ضمن اشاره به اختلاف نظر هایی که بین برخی از مسئولین ادارات و ارگانها و انجمن اسلامی ها وجود دارد میگوید. . . با کمال تأسف بعضی مسئولین دست به شیوه های غیر اسلامی زده و باعث بهم ریختگی انجمن ها

گردیده اند. . . از مسئولین متمرد می خواهم سوابق اشخاصی را که به آنها مسئولیت داد همیشه مسورد بررسی قرار دهند تا این نهاد نو پای انقلابی از هم نباشد. امام در پاسخ از سوی نخست وزیر شورای نهاد های انقلاب برای تمرکز امور نهادها تشکیل

میشود. دادی معاون نخست وزیر در امور نهادها میگوید. . . این شوراها از مسئولین نهاد های انقلابی و امام جمعه و استانداز تشکیل میشود. . . در شورای مرکز علاوه بر مسئولین نهاد های انقلاب اسلامی، وزیر کشور و نخست وزیر شرکت میکنند و در مقابل شورای آقای نخست وزیر است (اطلاعات

۸/۳/۶۱) یک ماه بعد در بخشنامه های از سوی نخست وزیر در ارتباط با تمرکز انجمنهای اسلامی گفته میشود. . . به منظور حل مشکلات و ایجاد هماهنگی بیشتر بین انجمنهای اسلامی و مسئولین اجرایی و رسیدگی به امور مربوطه فتری در نخست وزیری -

طرح واگذار نمود. سلطه قوه مجریه اعمال شد. امام دولت به این نیز بسند نکرد و با مصوبه ای ستاد بسیج اقتصاد را بيشگلی کامل زیر سلطه خود قرار داد. . . در جلسه هیات دولت اساسنامه ستاد بسیج مصوبه شورای عالی اقتصاد به تصویب رسید. . . این ستاد وابسته به شورای عالی اقتصاد عمل خواهد کرد مصوبات ستاد بسیج اقتصاد می شود بر اینکه ناقص وظایف قانونی وزارتخانه ها نباشد لازم الاجرا است. در صورت عدم انطباق تصمیمات ستاد با سیاستهای کشور شورای عالی اقتصاد میتواند این تصمیمات را متوقف و یا کالیم بکن اعلام و به هیات دولت گزارش کند (کیهان ۶۰/۹/۱۲)

در ۱۴/۹/۶۰ از طرف خمینی نخست وزیر، رئیس شورای عالی اقتصاد، به عنوان مسئول بنیاد مستضعفان منصوب میشود. در ۱۱/۳/۶۰ نخست وزیر طی حکمی به سرپرست بنیاد مستضعفان اعلام میکند. . . مسئولین بنیاد در سراسر کشور فعالیت های مرکز بنیاد را به صورت نوبه ای به مرکز گزارش کنند. گزارشات لازم به مجلس و دولت نیز صرفاً از سوی بنیاد مرکز ارسال گردد. بنیاد مرکز نیز تحت ریاست خود نخست وزیر و تحت کنترل شورای عالی اقتصاد است.

در ۲۴/۹/۶۰ علیرضا افشار عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی با خشم تمام فریاد بر می کشد. الان در روستا های که جهاد شعبه دارد در کنار مراکز خدماتی توسط وزارت کشاورزی ایجاد شده که نا هماهنگی بوجود آورده است. در همان گزارش سلامتی وزیر کشاورزی و عضو شورای عالی اقتصاد میگوید. . . قرار بود این مراکز که یک کار چند بعدی است به وسیله جهاد نظارت شود اما بعضی از ادارات و نهادها معتقدند کار اجرایی را هم آنها باید انجام دهند. باید اضافه کنم طبق مصوبه (طرح ایجاد مراکز خدمات کشاورزی) جهاد سازندگی در آن صرفاً نقش

نظارت و کنترل را دارد. در مقابل مصوبه هیات دولت جهاد گران که ارگان اجرایی خط امام اند شدیدا مقاومت میکنند. در قطعنامه سومین سمینار سراسری جهاد سازندگی خواستهای زیر تصریح میشود. . . خواهانیم امور مربوط به روستاها و عشایر بدو را از نظام دست و پا گیر اداری و بوروکرات حاکم بر آنها بسه جهاد سازندگی سپرد شود و خواهان



### بقیه از صفحه ۹

شورای عالی فرهنگ را در اماما حاصل اختلافات خط امام و اختلاف جدید است و نکات گریه تضاد این دو خط را مطرح میسازد یکی از دانشجویان عضو شورای ستاد انقلاب فرهنگی در این رابطه میگوید: . . . همیشه تضاد بین جریان انقلاب فرهنگی و روح حاکم بر دانشگاهها و روح حاکم بر تشکیلات وزارت و وزارت فرهنگ و آموزش عالی وجود داشته و از در این رابطه در چند ماه اخیر تضادها و اختلافات بین وزیر علوم و ستاد انقلاب فرهنگی در مورد حیثیت مسئولیتها و اختیارات و انجام امور پیش آمد بود. این اختلافات تا مطرح شدن آن در نزد امام و سپس در بین مقامهای بالای مملکتی کشیده شد. فعالیتها بی در مورد طرح نویسی که اختیارات و مسئولیتهای ستاد انقلاب فرهنگی و جریان انقلاب فرهنگی را محدود و ترنکند و در یک کمال خاص قرار دهد از طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی در چند ماه اخیر مشاهده شد تا بالاخره طرح اخیر از طرف وزیر علوم آموزشی عالی تهیه هیئت دولت در آن شد. همین دانشجویان مورد انگیزه سیاسی مطرح شدن این طرح میگوید: . . . دولت و قوه مجریه و وزارت علوم تمرکز بیشتر جریان انقلاب فرهنگی در قوه مجریه و هماهنگی تصمیم گیری هر چه بیشتر نسبت به جریان انقلاب فرهنگی را طالب میباشند.

ما در بررسی مقدماتی خود از شکل گیری "ائتلاف جدید" گفتیم که یکی از اصول وحدت جریانهای مختلف این ائتلاف حدایی در بین از سیاست است که در مرحله کنونی با محدود کردن اختیارات روحانیون در ارگانها از در حالت به نظارت به پیش میرند. در همین رابطه یکی از اعضای جهاد فرهنگی میگوید: کسانی که طرح شورای عالی فرهنگ را تهیه کرده اند نه تنها در رابطه با تهیه و تنظیم طرح از حوزه های علمیه هیچ کمکی نگرفتند و هیچ نقشی برای آن قائل نبودند حتی حضور نماینده روحانیت و جامعه مدرسین حوزه علمیه را نیز در این شورامطرح نکردند. بطور خلاصه در تشکیلات جدید، حرکت کلی فرهنگی کشور یا بهتر بگوییم انقلاب فرهنگی از تحت نظر مستقیم ولی فقیه خارج شده است و این یکی از مهمترین ضعفهای طرح مصوبه دولت میباشد.

اما اختلاف جهادگران "خط امامی" به طرح شورای عالی فرهنگ محدود نمیشود تمامی مقالات حاکی از آغاز

افشاگریهای علنی "خط امام" علیه "ائتلاف جدید" و سیاستهای کلی آن است. در مقاله ای تحت عنوان "انقلاب فرهنگی و نظام وزارتخانه های" آمده است: مسئولین قوه اجرائیه همین در امر که یکی تشبیه نظام وزارتخانه های جهت تمرکز امور اجرایی همراه با جذب و بیاخذ فتهاد های انقلابی و دروم تن در این به نا هماهنگی موجود بین مراکز اجرائی دولتی و نهاد های انقلابی است فرارگرفته اند نویسنده "خط امامی" عاجزانه میسرسد چگونه میتوان از نهادی که ازید و انقلاب تلاش کرد دوباره حد اقل ساخته و جان در راه هدف باخته انتظار داشت که به این سادگی به تمکین ضابطه های بنشیند که تا بحال با آن بیگانه نبود و با آن به مبارزه برخاسته است.

ما با ارائه شواهد متعدد در نشان در اینم که مسئولین اجرائی مدتهاست در جهت ایجاد "نظام وزارتخانه های" برنامهریزی و حرکت کرده اند و "خط امام" نیز هر چند نه به این سادگی اما چاره ای جز تمکین ندارد. "مجلس بدوین گابینه، بدوین ارتش، بدوین مردم، بدوین افکار عمومی . . . و بدوین هیچ چیز" چنین مجلسی رفته رفته به پارلمان قدیم فرانسه تبدیل شد که کارها را به دولت واگذازمیکرد و خود به اعتراضهای لندن کند امیر قناعت میوزید (A) بر مملوئی بناپارت - مارکس) آری "خط امام" نیز به همین سوی میروید بدوین کمیته ها، بدوین انجمنهای اسلامی، بدوین سپاه و . . . بدوین مردم از همین روست که مبارزه ما بین "خط امام" و "ائتلاف جدید" که تبلور خود را در مبارزه بین گابینه و مجلس یافته است از شکل پنهان درآمده، بصورت رسمی اعلام شده است، خوشبختی ها علنا و صریحا دولت، ائتلاف جدید و اهداف آنها را افشا میکند و دولت عملا فوق خود بر نهاد های انقلابی را بر خ میزند. اما همانگونه که گام به گام مسأله را دنبال کردیم و نشان دادیم بهر روتما مسو نهاد های "خط امام" محکومند تا بر ضوابطی که برخاسته از ضرورت ایجاد ما شین دولتی یکپارچه و متمرکز است کردن نهند. ما هماغه مرداد ماه در انشگاه و انقلاب مینویسد "نمونه هلی که تا بحال موجود بود حکایت از ایجاد یک سری تعارضات وسیع میکند که سرانجام یا منجر به مطیع ساختن فرد یا ضابطه انقلابی شده و یا به حذف آن انجامیده است.

حتی مهمترین زائد مسلح "خط امام" یعنی سپاه پاسداران علیرغم مقاومت در مقابل این ضابطه تند رجا و بطور ضمنی مجبور به گردن نهادن به

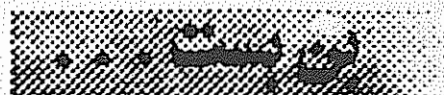
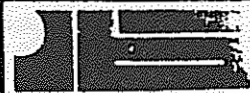
آن میشود. اساسا مسیاه که بسیاری از نمایندگان "خط امام" مدافع آن بودند به علت فشارهای جریان مقابل ارگانی بنام وزارت سپاه را به ثبت رسانید. ارگانی که تحت ریاست گابینه قرار دارد و مسلما در خط ائتلاف جدید خواهد بود. وظیفه وزارت سپاه پیشبرد سیاست ادغام تند رجا سپاه در دولت است. محسن رضایی فرمانده کل سپاه در ۱۶/۵/۶۱ طی مصاحبه ای میگوید: . . . سپاه پاسداران ارگانی زیر نظر هیست است. این ارگان با دولت ارتباطی نداشته. برای اینکه یک هماهنگی بین این ارگان و دولت بوجود آید وزارتخانه سپاه بوجود آمد. (اطلاعات)

روشن است "ائتلاف جدید" در مقابلها "خط امام" شکل گرفته است که با تسلط بر قوه مجریه و یاری نهاد های چون شوراهای عالی میکوشد تمام نهاد های ضد انقلابی "خط امام" را بر زیر سلطه خود کشید و در ما شین دولتی بورژوازی ادغام کند. میکوشد با مهارزدن بر نقش روحانیت در امور و تقلیل این نقش جدایی بین از سیاست را پیش برد و در این رابطه شرایط و وسایل لازم جهت برقراری نظم و امنیت بورژوازی را مهیا سازد. تقابل دولت و مجلس انکس با راز و عوای این دو خط است تقابلی که در بطن خود شکافی عمیق در درون هیئت حاکمه ایجاد کرده است که بر زمینه وحدت بی سابقه تا قضات اجتماعی انفجاری قریب الوقوع را نوید میدهد. انفجاری که از درون آن خشم توده ها زبانه خواهد کشید و سودای ائتلاف جدید را در حل بن بست قدرت، برقراری نظم و امنیت و تثبیت هیئت حاکمه نقش بر آب خواهد کرد.



درگیرهای "خط امام" با "ائتلاف جدید" که با استیضاح گما باری وزیر مسکن و شهر سازی شکل حادتری بخود گرفت محدود به اختلافات تاکتیکی در رابطه با روپنا و سیاسی حاکم نمیگردد بلکه ریشه در اختلافات و جریان در رابطه با پیشبرد سیاستهای اقتصادی و ارائه راه حلهای متفاوت جهت برون رفت از بحران دارد. در بررسی "خط امام" گفتیم که این خط خواهان فرسرد اقتصاد بی بنفع روابط عقب مانده سرمایه داری، به سود سرمایه های انگلی و غیر مولد، سرمایه تجاری متوسط است و از در حالت دولت در امر تولید و توزیع تا حد کنترل دفاع میکند. جناح حجتیه که مخالف هرگونه فرم و بقیه در صفحه ۱۱





بقیه از صفحه ۱۰

مداقع تقدس مالکیت به شکل نامحدود آن است در حالت دولت در امور اقتصاد ایران اقتصاد حد نظارت میدهد .

در نیمه دوم سال ۶۱ با عدم شدن اختلافات بیرونی خط امام و قدرت گیری تدریجی ائتلاف جدید در مقابل راه حل های اقتصاد در جناح یار در راه حل های اقتصاد و گیرالیا جهت بیرون رفتن از بحران زمینه تبلیغ و پیشبرد می یابد . اینبار کابینه ائتلاف موسوی با ارکان مقتدری چون شورای عالی اقتصاد ما مورد رای و پیشبرد این سیاست است که در وجه عدم هدف کانا لیز کردن سرمایه ها بسوی تولید و ایجاد هماهنگی بین بخش های مختلف سرمایه را دنبال میکند میگردد و در این رابطه در مقابل سیاست های فرمیستی - ارتجاعی خط امام قد علم میکند .

وزراء نیز در پی مورد بازخواست نمایندگان قرار میگیرند ، کابینه آماج حملات خط امام میشود و فواید کربیی در جلسه علنی ۱۴ / ۵ / ۶۱ مجلس به افشای گیرالیا اقتصاد میبرد از . . . گیرالیا اقتصاد هنوز فعالیت میکند و گاه گستاخی را به آنجا میسازد که فقهای متعهد و در خط امام را متهم به سوسیالیسم و اتهامات مشابه مینماید . . . چهره واقعی گیرالیا اقتصاد در تحت هر پوشش و نام شناخته و همانطور که خط گیرالیا سیاست را بر انداختند خط گیرالیا اقتصاد را نیز که بر علیه مردم ایثارگر ما و خط امام توطئه میکند بفریاد آن تاریخ بریزند .

گیرالیا اقتصاد " اینبار در پوشش کابینه موسوی و در نام ائتلاف جدید رخ نمود است و سیاست اقتصاد کابینه موسوی دفاع از رفاه تنهاد رحدی متناسب با روند تکاملی سرمایه داری و ایستاده با تاکید بر محدود بودن نقش دولت در تولید و توزیع در حد نظارت است . این سیاست بر کانا لیز کردن سرمایه ها بسوی تولید و ایجاد توازن بین بخش های مختلف سرمایه تاکید دارد و عبارت دیگر تدوین منطقی از سیاست اقتصادی شاهنشاهی را میطلبد .

از نیمه دوم سال ۶۱ که عقب نشینی انقلاب بتدریج متوقف میشود ، رعب و وحشت حاصل از سرکوب دیوانه وار ارتجاع شروع به فرو ریختن میکند و تناقضات تعمیق یافته اجتماعی از کارخانه وصف خود سر بر می آورد و محدودیت سلاح سرکوب در مقابل بحران عمومی چهره می نماید برای رفع این معضل چاره اندیشی اقتصاد در راس امور قرار میگیرد و از اینرو اختلاف بر سر مسائل اقتصاد ی بالا میکشرد .

ساخت ، لویج و طرح های اقتصاد ی به کانون اختلاف جناح های رژیم بدل میشود . خنثی در نماز جمعه قسم تضاد های درونی خط امام را بر ملا میکند ، خاضع های و جناح را از رگری بر حد رمیدارد و محمد یزدی با یک مصاحبه مطبوعاتی دیدگاه های اقتصاد ی حقیقی تر شرح میکند و با تصریح بر اینکه " اقتصاد کشور با بندج حل نمیشود " و باید از راه صحیح این میگردد از زمین بردن بستند و جناح را در مبارزه با بحران رشد یافته اقتصاد ی بیان میکند . در حالیکه ایدئولوگها ، روحانیون و سخنرانان

خط امام بر سر کشف راه حل اقتصادی " صحیح " حدل میکنند و به افشای سیاست های بحران زای یکدیگر میپردازند مسئولین اجرائی کشور در جریان عمل راه مستقل خود را می یابند . طرح های مصوبه مجلس را در بسیاری مواقع از آنرو که با واقعیات سیستم نمی خواند کنار می نهند ، عوض میکنند و در هر کجا که این دو میسر نبود لایحه

به مجلس میبرند و بدینظر خط گیرالیا اقتصاد را پیشه میکنند . بصورتیکه خشم نمایندگان خط امام در مجلس سرریز میکند و وحید ی در ۲۱ / ۲ / ۶۱ میگوید نزدیک به ۲ سال از عمر مجلس گذشته . . . و هنوز بسیاری از قوانین این کشور اسلامی ، غیر اسلامی است و ما باید یاد از آن طرح های قانونی ، قوانین اسلامی را جایگزین آنها نماییم و نباید به انتظار کویاچ دولت بنشینیم دولت معمولاً در قوانینی که در عمل یا مشکل بر خورد میکند برای حل مشکل خود لایحه تقدیم مجلس میکند اما در وفربان ناطقین بی اثر است . مسئولین اجرائی مستقیماً با تضاد های همه جانبه سیستم بیمار امپریالیستی دست بگریبانند و از اینرو برای اینکه لایحه های یوسید ها این نظام خرد نشوند اجباراً تابع آن میگردد گیرالیا اقتصاد ی " بیش از پیش به سیاست دولت بدل میشود به صورتی که علناً و صریحاً مصوبه مالک و مستاجر سال ۵۶ را در مقابل طرح نمایندگان مجلس می نهد و هر سیاست اقتصاد ی مطروح از سوی مجلس را در هر کجا که مقتضیات عینی سیستم بخواند زیر پا میهد . شواهد و دلایل خود گویای این مطلب است .

انتخابات تعاونی . . .

بقیه از صفحه ۳

دست شهرداری از سر شرکت تعاونی واداره امور شرکت توسط نمایندگان خود شدند . برای اولین بار خواست اجرای ساعت کار در روز بیست و خواست های تاکسیرانان مطرح شد .

قریب به سه هزار برگه رأی در بین تاکسیرانان توزیع شد اما با تحریم فعال تاکسیرانان و روبروشد و رانندگان از دادن رأی خودداری نمودند . روحیه تعرضی تاکسیرانان بخدی بود که عوامل رژیم بو حشمت افتاده به

سرعت میگروقت و بلند گوهار اجمع آوری نمود ه از دسترس رانندگان در وساختند . با اینکه عوامل مسلح رژیم در میان جمع حاضر بودند لیکن پس از مشاهده روحیه رانندگان به سرعت بر تعداد افراد مسلح افزود شد تا بلکه با تهدید و ارباب بتوان رانندگان را به دادن رأی وادار نمود که البته بی نتیجه ماند .

نکته بارز در حرکت اعتراضی تاکسیرانان عدم حضور فعال پیشرو بود . این عامل باعث شد که حرکت نتواند بشکلی سازمان یافته انجام

یابد . و چون سلاحی برند در مقابل مزدوران رژیم قرار گیرد . این عامل باعث شد که حرکت نتواند تدوین منطقی خود را که همانا ارتقاء سطح آگاهی و تشکل تاکسیرانان و دستیابی به خواست های مشخص آنها بود ، بیابد

این وظیفه عنصر پیشرو است که با شرکت فعال در مبارزات تاکسیرانان در جهت ایجاد تشکلی مناسب و منطبق با شرایط خاص این صنف ، تشکلی مخفی که قادر باشد مبارزات تاکسیرانان را بصورتی سازمان یافته هدایت و رهبری نماید ، حرکت کند .

توضیح و پوزش . . .

در قسمت دوم مقاله خطاب به مبلغین (۲) کار ۱۵۵ صفحه ۸ ، در مقوله " تبلیغ کتبی و اشکال پیشبرد آن " دوسطر آخر اشتباه میباشد که

در رستش بصورت زیر بود و بدین صورت تصحیح میشود . . . که نشریات محلی توسط پیشرو تهیه میشود و محیطه توزیع آنها عمدتاً کارگران میاننده و نیروهای مترقی است



بقیه از صفحه ۲

### نژادی

رژیم شاهینی از پایه‌های اصلی ارتجاع منطقه سقوط کرد. اما این نژاد نمی‌توانست، تأثیر انقلابی پایداری در منطقه پیدا آورد و موازنه قطعی نیروها را بنفع انقلاب تغییر دهد، چرا که رهبری انقلاب ایران نه تنها در دست طبقه توده‌ها، بلکه رهبری سازش‌ناپذیر قرار نگرفت، بلکه رهبری خود به‌روز و ای جنبش نیز هنوز به قدرت نرسید و با پیروزی سازش‌گردد از این رو بهمان میزان که این قدرت سیاسی ارتجاعی انقلاب را بعقب نشینی وارد می‌کرد، ارتجاع منطقه نیز تقویت می‌شد. امپریالیسم و صهیونیسم اینک در حال تدارک - حمله نهایی به جنبش فلسطین و تسلط قطعی خود بر منطقه بودند. جنگ میان دولت‌های ایران و عراق همیشه زمینه‌های مساعد را برای پیشبرد سیاست‌های امپریالیسم و صهیونیسم و پیروزی ارتجاع منطقه فراهم کرد. در همان حال که جنگ ادامه می‌یافت و کتله‌های منطقه‌ها در آرزوی آزایی از بی‌رحمی خاستند و گان‌توجها از جنبش فلسطین به‌جنگ دولت‌های ایران و عراق کشید می‌شد، امپریالیسم آمریکا در حال ایجاد پایگاه‌های نظامی، بیوک بندیه‌های سیاسی، استعمار آفرینان‌های سیاسی و نظامی در منطقه بود. تیلیپ حبیب این، در تعلیمات مبارزه و خیل‌گرا امپریالیسم در حال مذاکره برای تحولات سیاسی و طرح نقشه این تحولات بود و با سرانگین نیز به عنوان محرری نظامی این توطئه در حال تدارک حمله نهایی به لبنان و محاصره مبارزین فلسطین به سر می‌برد. یک جنبش تحولاتی بسرعت در حال شکل گرفتن

بود و اتحاد جماهیر شوروی هنوز در رویای سمت گیری سوسیالیستی دولت‌های باصلاح ضد امپریالیست منطقه و شکست قطعی امپریالیسم در عرصه رقابت اقتصادی - ایمن عرصه اصلی رقابت و نظام - به سر می‌برد. آنگاه می‌گردد آخرین صحنه این تراژدی حمله نظامی اسرائیل به لبنان و محاصره زندگان فلسطین بهر حلقه جراد آمد و دولت سوریه نیز بیطرفی خود را اعلام کرد، اتحاد جماهیر شوروی همانند یک شطرنج بازی با بی‌بردی مات شد و جنبش فلسطین نیز خود را در آنچنان محاصره‌ای یافت که راه دیگری جز یک عقب نشینی در مقابل خود ندید بدین طریق موازنه نیروها در منطقه پزیران نیروهای انقلابی منطقه تغییر کرد، و امپریالیسم و ارتجاع هر چند موقتاً تسلط خود را بر منطقه تحمیل کردند. این برد از نمایش با رژه تفنگداران دریایی آمریکا و نیروهای مسلح کشورهای امپریالیستی بهر کشتارگاه کودکان و زنان بی دفاع فلسطین و پرویزانه‌های اردوگاه‌های آوارگان در لبنان پایان یافت.

اما اگر نقاط ضعف جنبش انقلابی منطقه و تحولاتی که بنحوی بی‌طبی آرام طی چند سال گذشته صورت گرفته بود به امپریالیسم و ارتجاع این امکان داد که با یک رشته فعالیت‌های سیاسی و نظامی توازن نیروها را بنفع خود برهم بزنند، یک چیز دیگر نیز مسلم است، توده‌های کشورهای منطقه از مبارزه دست برنداشته و ارتجاعی توده‌های منطقه‌هاست، و انقلاب در مهمترین گان‌توجها در منطقه یعنی ایران هنوز از پای در نیامده است. اکنون با شر ای طی که

در منطقه پیش آمده است انقلاب ایران نقش سر نوشت سازی در منطقه خاور میانه خواهد داشت. چرا که اکنون دیگر تنها یک انقلاب در کشورهای نظیر ایران یا مصر می‌تواند یکبار دیگر در لحظه کنونی موقعیت ارتجاع را بخطر اندازد، اما در حالیکه در ایران هنوز انقلاب در عرصه کشاورزی و نبرد با ضد انقلاب است و طبقه کارگر ایران خود را برای رهبری مبارزات توده‌ها در این نبرد آماده می‌کند، در مصر هنوز شرایط عینی و ذهنی برای یک چنین تحول انقلابی فراهم نیست و در اینجاست که نقش منحصر بفرد انقلاب ایران و طبقه کارگر ایران در منطقه و تأثیر آن بر جنبش‌های انقلابی منطقه و نیز جنبش انقلابی فلسطین آشکار می‌گردد.

تحولات سیاسی اخیر خاور میانه نشان داد، که بدون رهبری طبقه کارگر جنبش‌های ضد امپریالیستی منطقه نمی‌توانند به پیروزی نهایی نائل گردند. این نکته اصلی در صحنه است که می‌باید از تحولات اخیر آموخت. حال بگذریم از تحولات اخیر ارتجاع از پیروزی‌های لحظه‌ای بر خود به‌کلند. یک در اتحاد جماهیر شوروی به سمت گیری سوسیالیستی رژیم‌های سوریه، عراق و جمهوری اسلامی در کشور کند و در رویای شکست امپریالیسم در عرصه رقابت اقتصادی باشد. بگذریم از احزاب باصلاح کمونیست فرصت طلب خاور میانه به سیاست سازش طبقاتی و لالی خود ادامه دهند. اینبار پیرولتاریای خاور میانه رهبری مبارز را در دست خواهد گرفت و پیرولتاریای ایران در پیشاپیش توده‌های زحمتکش ایران رسالت انترناسیونالیستی خود را به انجام خواهد رساند.

### خطاب

بقیه از صفحه ۱۶

هر چند در حد محدود و در انقل کرد. میتوان از اخبار را بیهوشی چون محاهد و مکررات هم استفاده کرد مشروط بر آنکه آنگونه انتخاب کرد که این استفاده مشخص نشود در غیر این صورت کمیته را وابسته به گروهی خاص نشان میدهد. درخبر نامه‌ها باید پر از حرکات اعتراضی توده‌ها تاکید بسیار کرد.

علاوه بر اینها در خبرنامه میتوان تفسیری کوتاه و خلاصه بر حرکات و سیاست‌های رژیم که در هفته پیش اجرا شده مثلا دعوی جناح‌های

حکومتی، تصویب اساسنامه سپاه، قرارداد های با ترکیه، عوام‌فریبی‌های تلویزیون و... آورد. در این تفاسیر اهداف مابارت است از روشن کردن هر چه بیشتر توده‌ها و تشدید حرکات ضد مردمی رژیم، تشدید تضاد های درونی رژیم و تشدید بحران اقتصادی، ضعف رژیم و توطئه‌های تبلیغاتی آن. البته ضرورتی ندارد هر بار بیانیه خبری تمامی این مضامین و اهداف را در برگیرد ممکن است یک یا فقط نقش تبلیغی یک برنامه تلویزیونی و اهداف آن فرموله شود و یا مصوبه مجلس راجع به مسکن و یا دعوی حاجی‌ها و امامی‌ها که در یک سخنرانی مجلسی نمود یافته تفسیر شود. بهر رو وجود چنین مقولاتی در خبرنامه‌ها برای توده‌ها ملموس نموده سطح آگاهی آنان را بالا میبرد.

## پیش‌بسیوی تشکیل حزب طبقه کارگر



## اعتصاب . . . بقیه از صفحه ۱

است ، اعتصابات را در امن میزنند که به خاطر منافع صنفی خود ، بلکه به منظور پشتیبانی از اعتصابات و مبارزات دیگران صورت میگیرد . مثلا کارگران کارخانه جیت تهران فقط منظور اعلام پشتیبانی از خواستهای کارگران کارخانه جیت ری دست به اعتصاب میزنند . این قبیل اعتصابات که طی این مرحله روبه گسترش می گذارد ، نشانه آگاهی است که کارگران از طریق شرکت در مبارزات و اعتصابات جذب کرده اند .

بطور خلاصه ، در این مرحله ، اعتصابات از تظاهرات خیابانی پیشی میگیرد و شکل اصلی مبارزه توده ها میشود . هنوز شعارهای مستقیمی سیاسی از طرف اعتصابیون عنوان نمیشود ، لیکن بدلیل توده های بودن اعتصابات و مطالبات مشترک ، که حکومت و طبقه سرمایه دار را در مقابل کل طبقه کارگر و توده ها قرار میدهد ، اعتصاب توده های جنبه سیاسی دارد . در مشخصه اصلی اعتصابات در قدرت فلج کنندگی و قدرت سازماندهی وسیعتری آن نهفته است . از یکسو ، بدلیل وسعتی که اعتصابات در راه هستند ، دستگاه دولت را کاملا فلج کرده ، آنها را تضعیف میکند و قدرت مانور برای سرکوبی مبارزات از سوی حکومت سلب مینمایند . از سوی دیگر اعتصابات با اقتدار کاملار اید و عقب ماندن افعال کرده آنها را بسوی مبارزه میزنند و در همین مبارزه نه هینت آنها را با روبرو مینمایند . و به این ترتیب امکان ارتقاء مطالبات ، شعارها و مبارزات را مهیا میگرداند . اعتصابات توده های وقت اوم آنها ، ضرورت نفی سازمانهای فرمایشی و ایجاد تشکیلات مستقل و آزاد ، ایجاد تشکیلهای طبقاتی پرولتاریا را آشکار کرد و زمینه های اولیه ایجاد ایمن تشکیلات را در خود میبروراند .

مرحله سوم ، اعتصاب عمومی سیاسی : این مرحله از اعتصابات ، ادامه تعمیق یافته مرحله قبل است با این تفاوت که شعارها و مطالبات مستقیمی سیاسی از طرف اعتصابیون اعلام میگردد .

باز شدن دانشگاهها ، پس از دو هفته اعتصاب دانشجویی در نیمه دوم مهر ماه ، تظاهرات سیاسی جدیدی را در امن زد . به دنبال واقعه خونبار ۱۷ شهریور تظاهرات بدون اینکه متوقف شود ، اعتبار در جه اول خود را از دست داد و اعتصابات توده های و طبقه اصلی بسیج و پیشبرد مبارزه را بر عهده گرفت . حال ، در این مرحله ، حرکتی در جهت ادغام اعتصابات توده های و تظاهرات سیاسی شدن هر چه بیشتر و جوامعه انجام می یابد .

در تظاهراتی که در صبح ۲۹ مهر ماه از طرف دانشجویان انقلابی در دانشگاه برگزار میشود ، شعارهای سیاسی صریح و روشنی اعلام میگردد

کمیسیون خیلی سریع توده نشین شده و حزب مطالبات اساسی اعتصاب کنندگان قرار میگیرد . در قطع نامه این دانشجویان : " لغو حکومت نظامی ، آزاد ز زندانیان سیاسی ، اخراج مستشاران - نظامی و غیر نظامی امپریالیستها ، آزادی قلم ، بیان ، اجتماعات و احزاب " مطالبه شده است و در جهت حمایت از خواستهای بقیه اعتصابیون " انحلال سازمان کارگران و ایجاد سندیکاهای واقعی کارگری ، ایجاد قانون معلمان و . . . " عنوان شده است . شعارهای این دانشجویان ، علیه حکومت ، گارد و نیروهای انتظامی و در پیوند با کارگران و زحمتکشان تنظیم شد مورد در بعد از ظهر همان روز ، انبوهی در پیروان دانشجویان با در دست داشتن عکس بزرگی از خمینی در دستها به تظاهرات پرداختند . این دانشجویان با شعارهای الفاکبر ، نصر من الله ، فتح قریب ، و با حمایت از مبارزین فلسطین ، فلیکبین و آریستوره به تظاهرات خود در آن روز پایان دادند و تظاهراتی بعد نیز با تظاهرات ترتیب میدادند ، حجت تظاهرات را استمرار دادند

کارگران و بقیه اعتصابیون که شرکت در مبارزات و اعتصابات توده های ، به اندازده همبستگی خود آند و خسته و آگاهی گسب کرده بودند ، تحت تاثیر سیاسی جدید در عین حالیکه تعداد های کمی در تظاهرات صبح و عصر دانشگاهها در پی یافتن اهداف جدید یکی خود با خواسته های مطرح شده در اعتصاب دانشجویان انقلابی را احسن میکردند اما در پیوند با تشنگین رعبی انقلابی و نداشتن تشکیلاتی سازماندهی و نبود آگاهی طبقاتی قابل توجهی اعتراضات ایقان بصورت احتجاجات پاره پاره در سطح عمومی تابع رهبری جنبش امیرال - مدعیان مبارز صورت . این امر اهمیت اساسی و فاعله رهبری طبقاتی جنبش را ( که بارها در تجربه های حیاتی خود را نشان دادند ) بیش از پیش آشکار کرد ( به این مساله بعد از مبارزه ساز میگردیم )

بهر حال ، در این مرحله همانگونه که گفته شد ، اعتصابات با زهم بیشتر گسترش یافتند و مطالبات مستقیمی سیاسی در صدر قرار گرفت . در قطعنامه کارگران پالا یسگا آباد آن ، بعنوان یک نمونه معارفی عینا چنین میخوانیم : " ما کارگران پالا یسگا آباد آن بخاطر همبستگی با خواستهای مبارزان و برادران کارمند شرکت نفت و سایر طبقات ملت ایران ، اینک خواسته های ملی خود را که در اولویت قرار دارند اعلام میداریم . ۱- حمایت و پشتیبانی کامل از خواسته های کارمندان صنعت نفت . ۲- لغو حکومت نظامی . ۳- آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی و بازگشت تبعید شدگان ۴- انحلال سازمان امنیت و اطلاعات کشور ۵- تعقیب و مجازات کلیه ملان کشتار اخیر ایران ۶- تعقیب و مجازات متجاوزین بیت المال ۷- برگرداندن روز صنعت نفت از مردم ۸- رسیدگی به خواسته های فرهنگیان کشور ۹- رسیدگی و اجرای خواسته های قلی کارگران صنعت نفت . در این مرحله از بقیه در صفحه ۱۴

رتزیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

صربهای کاری لازم بود تا سیستم را در هم شکنند .  
اعتصاب عمومی سیاسی از چنین کارایی برخوردار  
نیست .

البته این راهم باید اضافه کرد که یوزده اعتصابات  
کارگری در عمق بهیشترو خود ادامه میداد . به  
این معنی که خطوط مستقلی از حرکت و خواستها  
که از مراحل قبل شکل گرفته بود ، مشخص و صیقل  
میشد . اتحادی اعلام نشده بهین روشنفکران  
انقلابی و کارگران بسته شد بود . دانشجویانی  
بمیان اعتصابات کارگری میرفتند و کارگران برای  
اجتماعات و تبادلات نظرات خود را آشکارا مینمودند  
میشدند . بحث اساسی این جلسات را چگونگی  
ایجاد تشکیلات کارگری تشکیل میداد .

در این میان رهبری جنبش هم بیگانه نشسته و  
برای آینده کارگران و موکراتهای انقلابی را همه  
پا هم بزیر رهبری خود داشته باشد ، به ایجاد  
" کمیته‌ها همنگی اعتصابات " بقصد ارشاد ،  
هماهنگ نمودن رهبری کردن آنان بر مبنای  
خواستههای خود دست میزد . این تجربه ای  
بود که قبلاً در مورد تظاهرات با ایجاد " کمیته  
برگزاری راهپیمایی " انجام گرفته بود و نتیجه نسبتاً  
موفقیت آمیز بود . اما در مورد اعتصابات ، نتوانست  
بخوبی نقش خود را ایفا کند .

بهر حال در بهمن ماه ، محدویت شیوه‌های  
 مبارزاتی سابق و از جمله اعتصابات توده‌ای ، خود  
 را کاملاً آشکار کرد . بهین بست موجود در -  
 مبارزات باید شکسته میشد . رهبران ، مشغول  
 جانه‌زنی با هیوز ، سران ارتش و نخست وزیر  
 وقت ( بختیار ) برای اتمام مبارزات توده‌ها بودند  
 و هر دو دست‌ها از تعصیب بیشتر مبارزات و ورود آن  
 به مرحله بالاتر ( قیام ) بیگانه اندازدهراس داشتند .  
 صالحه مورد بحث آنها چگونگی حل مسالمت آمیز  
 انتقال قدرت ، به وین در حالت توده‌ها بود . در  
 سوی دیگر ، توده‌ها که در اعتصابات و مبارزات  
 خیابانی ، به تجربه ، ناگزیری مرحله بالاتری از  
 مبارزات را درک کرده بودند ، به قیام میاندیشید  
 - ند . شعارها ، حول مبارزه مسلحانه دور  
 میزد ، رهبران ، رهبران ، ما اصلاح کنید ،  
 و از آنرو که از سوی رهبران خیانتکار پاسخ نیامد  
 و از آنرو که سازمانهای انقلابی نیز توان و تشکیلات  
 لازم برای پاسخگویی به این خواست توده‌های را  
 نداشتند فراروی اعتصاب عمومی سیاسی به قیام  
 نیز روندی خود بخودی یافت توده‌ها به بار یکبار  
 بند خیابانها برداختند ، به مراکز سرکوب  
 یورش آوردند صلح شدند و قیامی شکوهمند را  
 علیه خواسته رهبران شکل دادند . بن بست  
 اعتصاب عمومی سیاسی شکسته شد و اعتصاب به  
 قیام فراروتشد .

دوران جدیدی از مبارزه برای کارگران و -  
 د موکراتهای انقلابی فرارسید . خرد هیوز وازی  
 سنتی که در ابتدا تحت رهبری هیوز وازی تجاری و  
 همچنین لیبرالها آغاز کرد تظاهرات خیابانی  
 بود ، و کارگران و کارمندان را به مبارزه جلب کرد  
 بود ، اینک از صحنه مبارزه خارج شد بود . حال  
 آنکه برای کارگران آغازی نبود .

با قیام بهمن ماه ، اعتصاب عمومی سیاسی که  
 در بگرد شکل محتوای سابق ، نقش سپری  
 شد بود ، به یک سلسله از اعتصابات تجزیه شد .  
 اگر چه یکبار چگی اعتصابات در هم فرو ریخت ،  
 لیکن تعمیق یافت و خواستههای طبقاتی بطرز  
 مشخصتری از دوران شروع به شکل گیری کرد .

## اعتصاب . . . بقیه از صفحه ۱۳

اعتصابات ، مطالبات ، مستقیماً  
 سیاسی ، خواستههای صغیر را تحت الشعاع  
 قرار میدهد . پشتیبانی از مبارزات و مطالبات  
 یکدیگر ایجاد گسترده‌ای بخود میگرد . اتحاد  
 مطالباتی کارگران و شیوه‌های مشترک مبارزه ، از  
 یکسو ضرورت سازمان‌یابی متحد کارگران ، و از  
 سوی دیگر همبستگی اینان با دانشجویان ،  
 معلمان و کارمندان مبارزان را بهینه‌اشکار میگرداند .  
 اعتصابات ، بنا به ظرفیت افزایش یابنده انقلاب ،  
 ونوع برخورد حکومت با مبارزات و اعتصابات ،  
 اشکال متنوعی از مبارزه را آزمون و با هر شکل ، توان  
 رزمی خود را ارتقاء داده است . در این زمره ،  
 اعتصاب مطبوعات که بهیشترازد و ما به طول کشید ،  
 اگر چه از لحاظ کلی سیستم ارتباطات و خبردهی  
 را فلج کرد ، اما سبب شد که اعتصابیون با انتشار  
 بولتن ، خبرنگار و اعلامیه تجربه‌ای دیگر را نیز از سر  
 بنظر رانند و اجتماعات و تحصن‌ها بصورت مراکز  
 تجمع برای تبادل نظریات ، کسب خبر و خبر  
 دهی و تبلیغ درآید .

### مرحله چهارم ، بن بست اعتصاب عمومی سیاسی :

اعتصابات کلیه کارکنانهای کشوری را فرا گرفته بود  
 و در دیماه اعتصاب غذای همافران ، صرفت  
 گه‌خشهایی از نیروهای انتظامی را هم شامل  
 شود . اوج اعتصابات توده‌ای در عین حال ،  
 محدودیتهای این شیوه مبارزاتی را برای سرنگونی  
 رژیم قبلی و استقرار نظامی نوین ، عیان میکرد . چرخ  
 کارخانه‌ها از حرکت ایستاده بود ، حمل و نقل و  
 توزیع مختل شده بود ، ادارات و موسسات  
 تعطیل و یا نیمه تعطیل بودند . مدارس و  
 دانشگاهها از حرکت روزمره با ایستاده بودند  
 و حتی بیمارستانها را هم اعتصاب فرا گرفته بود .  
 قدرت فلج کنندگی اعتصاب در اوج بود و دیگر  
 جایی باقی نمانده بود که بار خنثی‌اش به آنجا  
 بتوان قدرت حکومتی را ضعیفتر کرد . مداومت  
 اعتصابات طی چندین ماه ، توده‌های کشوری را  
 بسیج کرده و آنها را به فرصت‌زدگی سیاسی کشانده  
 بود ، اما این رسالت نیز در اوج خود در بگرد رخ  
 تقریباً مستقیمی به پیش میرفت .

در اوائل بهمن ماه روزنامه‌ها اعلام کردند که  
 ۳/۵ میلیون کارگریانی ۳ ماه است حقوق  
 نگرفته‌اند ، علاوه بر این تعدادی از کارگرها  
 ( که با بررسی آن منتشر نشد ) اخراج شده‌اند .  
 با این وجود کارگران تحمل کرده‌به اعتصابات  
 ادامه دادند . اما این مشکلی بود که بهر صورت  
 اعتصابات طولانی مدت را که از قبل برای این  
 تدارک دیده نشده بود ، تهدید میکرد . انقلاب  
 برای قطعیت بخشیدن به سرنگونی نظامی که  
 توان خود را طی یک سری مبارزات و اعتصابات  
 توده‌ها از دست داده بود ، مرحله بالاتری از  
 مبارزه را می طلبید .

اگر گفته میشود که اعتصابات عمومی در اوج خود ،  
 بن بست بهیشترو بیشتر را با شیوه‌های موجود  
 مبارزه نشان داد ، به این معنی نیست که شور و  
 شوق انقلابی توده‌ها و تحریک آنها هم بهین بست  
 رسیدها باشد . اعتصاب عمومی سیاسی نقش خود  
 را در فلج کردن سیستم حاکم ایفا کرده بود اینک



# خطاب به هیئتی

## متون مشخص با امضای هواداران سازمان

این متون معمولاً توسط رفقای مرکزی تشکیل هوادار تنظیم میشود. در این متون با اتکا به مبارزات روزمره توده‌ها و همچنین مشاهدات و تجارب عملی آنها رهنمودهای مبارزاتی (عام نسبت به رهنمودهای کمیته‌های مخفی و خاص نسبت به رهنمودهای سازمان) ضرورت سرنگونی رژیم، ضرورت اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه و ضرورت تشکل و تسلیح توده‌ها مطرح می‌گردد. رفتار نوشتن این متون فاکتها و شواهدی را که در جامعه مطرح میگردد و ابعاد همگانی می‌یابد یا در حوزه عملکرد خودشان برد همگانی دارد - نقطه حرکت خود قرار میدهند مثلاً وقتی شریعتداری یا کمترین فشار توبه میکند آنرا مبنی قرار دهد و یا قیاس با مقاومت حماسی انقلابیون زیر شکنجه‌های وحشیانه و بررسی علت آن حقانیت آپوزیسیون انقلابی را اثبات کرده رهبری انقلابی را تبلیغ کند. وقتی اعتراض در صف‌ها بالا میگردد اما مکرراً شاهدید که از حد نق‌زدن و فحش دادن به پاسداران بالا تر نمی‌رود در صورتیکه در منطقه یا شهر خود مواجه‌اید که زحمتکشان صف حرکت جمعی کرده و ما محتاج لازم را به دست آوردند آنرا مبنی قرار دهید و یا تبلیغ مشخص روی آن و انتقال این تجربه دیگر توده‌ها را از حد نق‌زدن به انجام عمل مستقیم انقلابی تشویق نموده به آنها رهنمود مشخص دهید.

وقتی کفاشهای خرد بازار بدلیل گرانی و کمبود مواد اولیه دست به تظاهراتی هر چند محدود و جزئی میزنند از آن سرسری نگذرید بلافاصله بیانیهای تهیه کنید و با تشریح فشار وارد بر کسبه جزء و جپاول تحار ضرورت سرنگونی رژیم حامی سرمایه‌داران را تصریح نموده الگرناتاسیو کمونیست‌ها در این مورد یعنی ملی کردن تجارت خارجی و تجارت بزرگ داخلی و تضمین منافع کسبه خرد را توضیح دهید و آنها را به تشکل و مبارزه فراخوانید . . . .

متون محلی در عین حال میتواند در مورد سوژه فعالیت‌های نظامی جوخه‌های رزمی یا گروه‌های هوادار و یا بررسی و نقد تجارب مبارزاتی باشند. در تهیه متون راجع به سوژه‌های نظامی باید به موارد زیر توجه کامل داشت.

سوژه‌های عملیات چه کسی بوده و چه کاره بوده است. اعمال سرکوبگر آنها چیست، علت ترور یا حمله چه بوده، وظایف توده‌ها در این رابطه چیست - اگر سوژه عملیات یک نهاد ضد انقلابی است مشخص کنید که، این نهاد چه وظایف ضد مردمی برعهده داشته، سیستم سازماندهی آن در رابطه با ارگانهای بالاتر چیست، این ضربه چه تأثیری در گسترش مبارزات توده‌ای دارد. وظایف توده‌ها در این مورد چیست - اگر سوژه عملیات مصادره است مشخص کنید، مصادره در چه جهت است و به چه مصرفی

میرسد، مصادره چرا ضرورت داشته است، امکانات مالی این نهاد در خدمت چه کسانی است و مصادره به چه کسانی ضرر زده است. توده‌ها چگونه میتوانند در رابطه با مشکلات خود مثل کمبود یا احتیاج عمومی مصادره‌های ساده‌تر مثل مصادره یک انبار احتکار شده را بشکستل جمعی سامان دهند.

## متون مشخص با امضای کمیته‌های مخفی

متون توسط هسته مرکزی کمیته مخفی مقاومت یا اعتصاب تهیه میشود و عمدتاً خطاب به زحمتکشان است که در محیط فعالیت آن کمیته قرار دارند. در تهیه این متون تصمیم با هسته مرکزی کمیته است و رفقای که در این هسته مرکزی شرکت دارند یا مناطق مبارزاتی و به عنوان فردی مترقی باید بتوانند بطرق غیر مستقیم ایده‌ها و نظرات سازمان‌رادر رابطه با هر ساله مشخص به هسته مرکزی کمیته قبولانند و در متن وارد کنند و بدین ترتیب در پیرو عمل و بتدریج اتوریته‌ها زمان‌را بر کمیته اعمال نمایند. در تهیه این متون فاکتها و شواهدی که در محیط فعالیت کمیته برد عمومی دارد و برای اکثریت زحمتکشان آن محدود و آشناست مبنای حرکت قرار داد و به توده‌ها رهنمود مشخص عمل داد میشود. و برای اساس سطح آگاهی توده‌ها بالا تر برد میشود. اشکال مبارزاتی و نیز حسارت مبارزاتی آنها ارتقا می‌یابد و در پیروسه حول کمیته‌ها متشکل میشوند. این متون ممکن است مضامین زیر را دربرگیرد.

متون افشاگرانه: متونی هستند که خبر و اتفاق را که رژیم و آپوزیسیون ضد انقلابی و یا خائنین به خنثی‌راییش از پیش رسوا میکند اما اکثریت مردم از آن مطلع نیستند افشاگر در با بررسی آن در ارائه رهنمود مشخص به توده‌ها میپردازد. مع‌ذرت در لحظه ارتکاب عمل میگردد. مثلاً انبار احتکاری در محل هست، رژیم و مزدورانش از آن مطلع‌اند اما بعلت ساخت و یا اخت آنرا مخفی نگه میدارند. کمیته مخفی مقاومت با افشای این ارتباط و نیز محل انبار رابطه نهادهای دولتی و سرمایه‌داران را در وجه مشخص نشان میدهد. و با توجه به روحیه ویتانسیل مبارزاتی مردم محل رهنمود مصادره انبار را میدهد و یا مردم را در جهت گشودن در انبار و فروش ارزان مواد آنها مالی بسیج مینماید. در تهیه این متون سرعت عمل و صحت خبر و اصل کاملاً اساسی است.

متون رهنمودی: متونی هستند که کمیته در رابطه با ارتقا اعتراضات و مبارزات مردم محیط عمل خود مینویسد و در آنها با توجه یک حرکت مشخص که در لحظه جریان دارد یا اتفاق افتاده است رهنمود میدهد. بعنوان مثال در کارخانه‌ای اعتراضات نسبت به لغو اضافه کاری بالا گرفته و روحیه برای حرکت جمعی آماده است اما تصمیم منسجم و غالبی بر کارگران حاکم نیست پس شروتنیز بعلت شرایط خفقان و فشار قادر به اظهار نظر کردن علت نیست در این

# خطاب ...

بقیه از صفحه ۱۵

صورت کمیته مخفی اعتصاب در اسرع وقت بیانیه کوتاهی مینویسد (حتی دست نویس در چند نسخه) و رهنمودهای لازم را میدهد. یاد ر - محلهای مردم بعنوان اعتراض به توزیع مرغ به مسجد مراجعه میکنند اعتراضات بالای میگرد اما جوانی نمیگیرند و بعلت عدم آگاهی به حرکت عالیتر عقب می نشینند در این مورد کمیته مخفی محل متنی مینویسد و با توضیح ارتباط مسجد با ارگانهای بالا تر و نقش آنها علت بی نتیجه ماندن اعتراض مردم را بررسی کرده با آوردن نمونههایی از حرکت موفق در دیگر محلات رهنمود مشخصی برای حرکت بعدی میدهد. این نوع متون از نظر سازماندهی تودهها از مهمترین مستون انتشاراتی کمیتههاست. در پاره ای مواقع نیز بین دو نوع متن افشاگرانه و رهنمودی پیوندی برقرار میگردد یعنی کمیته در اعلامیه خود در عین افشای یک حرکت ضد مردمی از رژیم یا نهادها، آن به ارائه رهنمود حرکت جهت مقابله با آن میپردازد.

متون اخطار و هشدار: متونی هستند که خطاب به مزدوران یا سرسپردگان رژیم نوشته میشود و بسته به میزان ضد خلقی بودن اعمال آنان، به آنها اخطار یا هشدار داده میشود. یا خطاب به عناصر ناآگاه طرفدار رژیم و تودههای پائینی ارگانهای صلح نوشته شده عواقب کار آنها به آنان گوشزد میشود. در تهیه این متون باید نهایت دقت بکار رود به عناصر مختلف (مزدوریان ناآگاه) برخورد یکسانی نشود. معمولا به مزدورانی که در خدمت رژیمند و مستقیم یا غیر مستقیم پول دریافت میدارند اخطار داده میشود با این مهم که اخطار حتما باید قابل اجرا باشد زیرا اگر تنها در حرف باقی بماند در صورت تکرار اعمال ضد خلقی مزدور اجرا نشود اعتبار کمیته خدشه دار میگردد. متون اخطاری وسیعاً در سطح مردم پخش میشود و در ضمن اخطار به مزدور رهنمودهای قابل اجرایی نیز به تودهها میدهد تا در یکجا مردم را به تقابل عملی با مزدوران یکشانند اما متون هشدار در در خانه عناصر ناآگاه انداخته میشود یا در جیب و کمد لباس او در محل کار نهاده میشود و هشدار داده میشود که در صورت تکرار عمل وسیعاً در میان مردم پخش خواهد شد. در آغاز این متون حتی قبل از تیتراگمه اخطار یا هشدار بصورت درشت نوشته میشود.

متون اطلاعیه ای: این متون در رابطه با دعوت تودهها به انجام عمل مشخصی در زمان معینی (مثلاً شرکت در مراسم تشییع یک شهید) مطلع کردن تودهها از تشکیل کمیته مخفی محله ... و وظایف و اهداف آن، مطلع کردن تودهها از اقدامات و یا حتی نیازهای کمیته و ... نوشته میشوند این متون که تحت نام

اطلاعیه کمیته مخفی ... منتشر میشوند به کمیته بعنوان یک نهاد موجود تصمیم گیرنده اتوریته و رسمیت می بخشند و باعث نفوذ بیشتر آن میشوند.

## متون توضیحی: کمیته مخفی در رابطه با اقدامات

تجهیزی، مصادرهای و بیان نظامی که توسط کمیته رزمی خود انجام میدهد (و این تنها در شرایط شد یافته کمیته است) در مورد مبارزین محل و یا موسسه که در جهت مبارزه علیه رژیم شهید و یادستگیر شده اند، در جهت اظهار همدردی با خانواده ها و اغذیه های که فرزندش را در جنگ از دست میدهد و برای انتقال تجارب مبارزاتی محلات و موسسات دیگر به زحماتشان حیاطه فعالیت خود بیانیه های توضیحی منتشر می کند (هر جا از بیانیه نام میبریم منظورمان تراکت و اعلامیه و یادداشت نویسی است) در بیانیه های راجع به اقدامات نظامی همان نکاتی که در قبل گفته شد باید رعایت شود. در بیانیه های راجع به شهدای خلق (مترقی و انقلابی) باید با روحیه داین به خانواده شان و روشن کردن اهداف و آرمانهای آنان ضمن تحلیل از حرکتشان اشکال همبستگی و حرکت خانواده های شهیداً طرح شود در عین حال توده ها نیز به حمایت از حرکات خانواده شهید افراخوانده شوند. در بیانیه هایی که برای انتقال تجارب مبارزاتی تهیه میشود در ابتدا اقدامات عملی اعتراض مردم محلات دیگر یا کارگران کارخانه دیگر یا ... حتی المقدور به از گرمحل و تاریخ شرح داده میشود و سپس نقاط ضعف و قوت آن مشخص شده شیوه درست حرکت که باید بکار رود توضیح داده میشود. توجه شود اعتراضات محلی برای توضیح برگزیده شود که اولاً ظرفیت نقد و بررسی داشته باشد ثانیاً در بین اعتراضات دیگر برجستگی داشته باشد. مثلاً اعتراض جمعی مردم محله ای در دروازه غار را که به توزیع نامرتب گوشت شده میتوان در جواب به مورد بررسی قرار داد و یا حرکت اعتراضی کارگران مسلسل سازی را در کارخانه ای در تبریز نقد کرد. در اینگونه متون لازم است خبر کار ماموشق از حرکات اعتراضی و شکل گیری آن داشته باشیم. مهمترین منبع ما در این موارد میتواند ارگان سازمان و بعد از آن اطلاعیه های خود کمیته های مخفی باشد.

خبرنامه: از متون دیگری که با امضای کمیته های مخفی میتواند منتشر شود خبرنامه است. هر چند امکانات خبرگیری با توجه به ضعف موجود نیروهای انقلابی محدود میباشد (البته وضع مجاهدین در شرایط بهتری است) هر چند خبرها محدود و جزئی نیز باشند اما دادن یک بیانیه خبری در شروع که در پرومعه رشد خود به خبرنامه بدل شود از وظایفی است که هر کمیته باید در صد انجام آن باشد توجه کنید که خبرنامه با نشریه محلی متفاوت است و بر خلاف نشریه محلی در سطح وسیعترین تودهها تهیه و منتشر میشود و علاوه بر آن مطالب خبرنامه در وجه غالب خبری است. در بیانیه خبری میتوان خلاصه ای از اخبار موثق که در ارتباط با کمیته های مخفی دیگر، سازمان و ... کسب شده است به همراه خلاصه ای از اتفاقات، درگیریها و مشکلات محلات، مدارس، کارخانجات و ...

# جنبش مقاومت ...

بقیه از صفحه ۱۸

حما حاجی شاخه) و چند محله دینر  
 یکمین نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری  
 اسلامی نشستند. رفقای پیشمرگ به  
 بخش نشریات و تبلیغ مواضع سازمان  
 و افشای هر چه بیشتر ماهیت رژیم  
 دینش جمهوری اسلامی مبارزت و  
 از جنایات بیشتر مانده رژیم در ارتباط  
 با یورش بر ناهمبیزی شد. هجدهمین  
 جمهوری اسلامی بگردستان برای مردم  
 قهرمان بوگان سخن گفتند ساعت ۹/۱۵  
 یک اتومبیل تویوتا گشتی مزدوران در  
 خیابان خلک به  
 کمین پیشمرگان فدائی افتاد و در لحظت  
 اول یورش قهرمانان فرزندان خلق ۱۳  
 تن از آنان به هلاکت رسید، حامیان  
 سرمایه که از وجود پیشمرگان در شهر  
 مطلع شده بودند در یوانهوار هر کوی و  
 برزن را زیر آتش اسلحه های سبک و  
 سنگین خود گرفتند و برای کمک به ماشین  
 گشتی که یکی مضمدم گردیده بود از  
 سه نقطه قصد محاصره پیشمرگان را  
 داشتند. پیشمرگان هشیار و دلیر  
 فدائی در خیابان حمام حاجی شاخه  
 تعداد زیادی از مزدوران را به هلاکت  
 رساندند و با فریاد های مرگ بر خمینی و  
 درود بر فدائی تمامی فضای شهر بوگان  
 را مملو از شور و هیجان نمودند، فریادها  
 و جبهه های پاسداران و جاشها و  
 بسیجیان ضد خلقی حاکی از ضعف و  
 زبونی دشمن بود، نعره های دشمن  
 شکن پیشمرگان در لیر فدائی سرد  
 قهرمان شهر بوگان، شهرکاک ابوبکر  
 آرمان را به وجد و شغف آورد و با  
 صدای هر گبار مسلسل پیشمرگ فدائی  
 که آهنگ آزادی و ناقوس مرگ رژیم رو  
 به زوال مرتجع جمهوری اسلامی را  
 مینواخت تعدادی از خود فروختگان  
 به زمین می افتادند مردم مبارز بوگان با  
 آوردن نغد او جای و شیرینی و حمایت  
 همیشگی شان بار دیر پیوند خود را با  
 فرزندان دلیبر خلق کرد تازه گردند،  
 در این عملیات جسورانه یکی از پیشمرگان  
 فدائی خلق، رفیق رشید  
 یزدان پناه (سنگو) که فرماندهی  
 عملیات را به عهد داشت پس از سالها  
 مبارزه در راه فدائی زحمتکشان و  
 استقرار مکرر آسی و سوسیالیسم به  
 دست آجیر شدن رژیم منقر جمهوری  
 اسلامی بشهادت رسید.  
 یادش گرامی باد

در ساعت ۳/۱۰ روز ۲۳/۶/۶۱  
 یک ستون پیاده از نیروهای ضد خلقی  
 شامل ارتش، پاسداران، جاشها و  
 افراد بسیج که قصد باصطلاح  
 پاکسازی روستاهای قازانتا، قروچه  
 و قلقله آمد بودند با مقابل پیشمرگان  
 همیشه قهرمان سازمان جریبکای  
 فدائی خلق ایران روبرو شدند و پس  
 از سه ساعت درگیری شدید با بجای  
 گذاشتن تعدادی کشته و مجروح  
 مجبور به عقب نشینی شدند در اواسط  
 درگیری یک دسته از پیشمرگان سازمان  
 انقلابی زحمتکشان گردستان ایرکین  
 (گومله) دوشادوش رفقای پیشمرگ  
 سازمان در عملیات شرکت داشتند،  
 گرچه مزدوران با سلاحهای سنگین  
 سنگین مواضع مستحکم پیشمرگان را  
 مورد حمله قرار دادند ولی هیچگونه  
 تلفات و خساراتی به آنان وارد نشد،  
 از تعداد تلفات و خسارات دشمن  
 خبر دقیقی در دست نیست.

۶۱/۶/۲۴ - در اوائل با تعداد  
 این روز سه ستون از مزدوران جمهوری  
 اسلامی (ارتش - سپاه - بسیج و  
 جاشهای خود فروش) از سه نقطه به  
 روستاهای قاز آباد، سیدآباد  
 کهریزم شهری گند، قروه گویز هجوم  
 آوردند. ساعت ۲/۴ با تعداد  
 ستونی که قصد محاصره روستای شهری  
 کند را داشت به کمین پیشمرگان  
 قهرمان فدائی افتاد و در همان لحظات  
 اولیه تعداد پیشماری از نیروهای  
 دشمن به هلاکت رسیدند، نیروهای  
 سرکوبگر که از این تهاجم پیشمرگان  
 سخت بوحشت افتاد بودند با  
 اسلحه های سنگین روستای شهری  
 کند را به توپ و خمپاره می بندند،  
 روستائیان زحمتکش و بی دفاع تصمیم  
 به ترک روستا گرفته و بگوهها و روستاهای  
 اطراف پناهند شدند، در همین  
 حال تعداد دیگری از سرسپردگان  
 به ارتفاعات پشت آباد و منبع آب  
 روستای شهری کند رخنه کرد و بودند  
 مردم بی دفاع را بگوله بستند تعدادی  
 از احشام را کشته و یخانه های روستا  
 - ثیان خساراتی وارد آوردند،  
 پیشمرگان فدائی که از قبل در انتظار  
 چنین تهاجم نا جوانمردانه ای بودند  
 با دلوری و از جان گذشتگی بی نظیری

نیروهای سرکوبگر را به عقب نشینی  
 واداشتند و تلفات بسیاری به آنان  
 وارد آوردند. پیشمرگان حزب دمکرات  
 در ساعت ۶ با تعداد به کمک رفقای  
 پیشمرگ فدائی حرکت کردند و  
 ارتفاعات پشت آباد را بکلی از وجود  
 عوامل مزدور رژیم پاک میکنند، در  
 این فاصله دشمن زبون که در زیر  
 ضربات قهرمانان پیشمرگان بهراس  
 افتاد بود با توپ ۱۰۶ میلیمتری  
 چند خانروستایی را بکلی منهدم  
 کرد. ساعت ۱۰/۳۰ سه فروند  
 هلیکوپتر حامیان سرمایه به کمک  
 نیروهای سرکوبگر شتافتند. صدای  
 مسلسلهای فدائیان خلق و پیشمرگان  
 حزب همراه با سرودهای انقلابی و  
 ملی شکوه و جلال خاصی به صحنه نبرد  
 بخشید بود، فریاد مرگ بر خمینی  
 مرگ بر آمریکا و مرگ بر رژیم جمهوری  
 اسلامی یک لحظه قطع نمیشد. تلفات  
 دشمن در این لحظات به بیش از ۷۰  
 نفر رسید بود. زخمیهای دشمن را  
 میتوان ۳۰ تا ۴۰ نفر تخمین زد.  
 نزد یک ظهر درگیری در آبادی قوره  
 گویز شد که در وقت پیشمرگان دلاور  
 فدائی و گومله دشمن را در این نقطه  
 کاملاً عقب راندند، هلیکوپترهای  
 رژیم روستاهای اطراف را باراکت و  
 مسلسل کالیبر ۷۵ مورد حمله قرار  
 دادند که خسارات فراوانی به روستا  
 - ثیان زحمتکش وارد آمد. در ساعت  
 ۱۲ ظهر پیشمرگان گومله نیز در جبهه  
 نبرد حضور یافتند، هجوم نیروهای  
 ارتجاع این بار بر طرف روستای قاجر  
 شروع شد و در مقابل حمله پیشمرگان به  
 صفوف آنان دشمن روستای مذکور را  
 بشدت با خمپاره ۱۲۰ میلیمتری  
 توپ ۱۰۶ میلیمتری و خمپاره های  
 زمانتی (تامبالا) زیر حمله گرفت و در  
 این حمله وحشیانه چند خانروستایی  
 بکلی با خاک یکسان شد. درگیری  
 مجدداً در روستای شهری گند شد  
 یافت و تا ساعت ۷ بعد از ظهر ادامه  
 داشت ضمناً در طول مدت درگیری  
 خرمنهای کشاورزان زحمتکش و تهیدست  
 روستاهای شهری گند و قاجر در  
 به آتش کشیدن آنها توسط رژیم ضد  
 خلقی در آتش میسوخ و باغهای میوه  
 آنان نیز در آتش خمپاره های دشمن  
 آتش گرفته بود. تعداد تلفات دشمن  
 بیش از ۵۰ کشته و ۲۰ زخمی است.  
 تعداد زیادی اسلحه سبک و تعداد  
 زیاد مهمات و وسایل نظامی توسط  
 پیشمرگان قهرمان مصادره انقلابی  
 گردید و جمعا ۱۶ نفر از عناصر خود  
 فروخته به اسارت نیروهای انقلابی  
 آمدند. همچنین تعدادی از خودرو  
 - های دشمن نیز منهدم گردید.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



# جنبش مقاومت خلق کرد



ابراهیم حسینیور قم ۸ - سید مهدی  
عبد الهی اهل تهران ۹ - غلامرضا  
احمدیان اهل سمنان ۱۰ - شعبان  
قهرمانی اهل ساوه ۱۱ - رضا قنبری  
اهل تهران ۱۲ - محمد رضا فیض آفرا  
اهل تبریز ۱۳ - علی فتوحی اهل  
گیلان ۱۴ - سید خدیجه مهدوی -  
اهل صفاخانه ۱۵ - احمد دهقانی  
اهل کانی کدوه

ساعت ۷ بامداد روز ۱۷/۶/۶۱  
یک ستون بیاد هازد شمنان خلق شامل  
ارتش، سپاه، بسیج و جانشینان و سوا  
به نقاط استراتژیک مشرفی و روستای  
ترجان یورش آوردند که با مقاومت  
پیشمرگان کومله روبرو شدند. پیشمرگان  
قهرمان فدائی که از زورگیری اطمینان  
حاصل کرد، هبوطند به کمک پیشمرگان  
کومله شتافتند و تهاجم دشمن همیشه  
زبون را در تصرف ارتفاعات سوق  
الجیشی منطقه با ناکامی روبرو کردند،  
مزدوران که از هر گونه حرکتی بازمانده  
بودند، بیوانه و آرو روستاهای اطراف را  
زیر آتش سلاحهای سنگین خود گرفتند  
و به خمپاره باران خانه‌های روستائیان  
پرداختند که موجب خسارات مالی  
فراوانی شد. پس از سرورن مقاومت  
قهرمانان پیشمرگان به منظور جلوگیری  
از تلفات و خسارات بیشتر به سرورن  
زحمتکش روستای ترجان ناگزیر به تخلیه  
روستای مذکور شدند. در این تهاجم  
وحشیانه ۲ نفر از پیشمرگان کومله  
بشهادت رسیدند. یادشان گرامی  
باد.

درگیری غیر از غنائم بدست آمده و اسرا  
حسد ۳ تن از مزدوران به دست  
پیشمرگان افتاد. در این نبرد بیش  
از ۸ تن از مزدوران کشته ۱۵۰ نفر  
زخمی و ۵۱ تن از جانشینان و اسد اران و  
افراد بسیج به اسارت درآمدند.  
۲ تن از پیشمرگان فدائی و ۲ تن از  
پیشمرگان در مکررات (به نامهای فدائی  
حواد کاشی و انور اعظمی - مکررات :  
کاک طاهروگاک محمد - شهید  
شدند و ۵ تن دیگر نیز زخمی شدند.

غنائم بدست آمد به شرح زیر است  
۱ - ماشین توپوتا یک دستگاه ۲ - کالیبر  
۵۰ یک قبضه ۳ - فشنگ کالیبر ۵۰  
۲۲ صندوق ۴ - کلاشینکف ۱ قبضه  
۵ - تیربار کلاشینکف ۱ قبضه ۶ -  
خشاب کلاشینکف ۱۸ عدد ۷ - تفنگ  
ژ-۳، ۳۱ قبضه ۸ - خشاب ژ-۳  
۱۷ عدد ۹ - تفنگ قاسه ۱ قبضه  
۱۰ - تفنگ برنو ۱ قبضه (اسمی سیم  
PRC ۶۶ ۲ دستگاه و مقدار بزرگی  
وسایل نظامی دیگر.

اسامی چندین مزدور که در عملیات  
فوق به هلاکت رسیدند : ۱ - محمد  
محمدی اهل سقز، جاش ۲ - احمد  
زائری یازهرائی اهل کندولان، جاش  
۳ - درویش کریم اهل سقز، جاش  
۴ - رضا هاشمی اهل قم، بسیج ۵ -  
ابوالفضل نظریان اهل قم، بسیج  
۶ - محمد مرادی اهل سقز، جاش  
۷ - محمد رضا صدیقیان اهل قم،  
بسیج ۸ - اکبر قربانی اهل قم (خور  
آباد) بسیج ۹ - محمد رضا هدایتی  
اهل قم، پاسدار ۱۰ - حسین  
درویش عرب اهل قم، پاسدار ۱۱ -  
حمید حسینی نژاد اهل قم، پاسدار.

اسامی دستگیرشدگان : ۱ - محمد  
علی محمدی اهل بابل ۲ - حمید  
حسین نژاد ۳ - محمد منتظر ...  
اهل اصفهان ۴ - عیدی فتوحی اهل  
الیکودرزه - عیسی حق اهل ورامین  
۶ - اصغر بدخشان اهل تهران ۷ -

۳۰/۵/۶۱ - صبح این روز  
ستون عظیم مرکب از ارتش، جاش،  
پاسداری و بسیج جهت باصطلاح  
پاکسازی یا تجهیزات فراوان و حمایت  
۳ هلی کوپتر و همچنین ۳ پایگاه دشمن  
در محور سقز - بوکان به روستاهای  
بفدیه کندی و باغلوچه هجوم آوردند.  
پیشمرگان فدائی و مکررات که از قبیل  
امادین کانی داشتند در مسیر برگشت  
سرکوبگران از باغلوچه به بفدیه کندی  
به گمین نشستند. در ساعت ۱۰ و اولین  
ماشین مزدوران که یک توپوتا حامل ۷  
نفر و یک قبضه کالیبر ۵۰ بود در کمین  
پیشمرگان قرار گرفته که آتش پیشمرگان  
با ماشین را متوقف و به نغز سر نشینان  
آن که با اسد آرو بسیج بود در دم کشته  
میشوند کالیبر ۵۰ و توپوتا به تصرف  
پیشمرگان درمی آید. ۲ نفر دیگر نیز  
دشمنی از آنها با آتش زخمی گردن رفیق  
شدند. سوار کاشی بود بهلاکت  
می رساند. از طرف دیگر یک دسته  
دیگر از پیشمرگان فدائی و مکررات در  
طهران معین شدند و شمنان را در حین اینکه از  
آتش شدید پیشمرگان بوخست افتاده  
بودند در کمین خود انداخته و به  
محاصره در می آورند. دشمن توسط  
هلیکوپترهای خود دست به حمله ای  
شدید زد و از هر طرف سعی میکرد  
مواضع پیشمرگان را زیر آتش راکت و  
کالیبر خود بشکند اما چون از این طریق  
کاری از پیش نبرد در روستاهای بفدیه  
کنند و در پی هوشاریه‌ند بهلاکت  
آتش راکت و کالیبر تلغاتی مادی بهسه  
اهلانی زحمتکش منطقه وارد آوردند.  
پیشمرگان مواضع خود را مستحکم تر  
کرد و اسرا و غنائم و وسایل نظامی را به  
پشت حبسه حمل میکردند. اهالی  
منطقه با کمکهای بیبد ریغ خود از نظر  
حمل و نقل و جمع آوری خوراک و کمک به  
مجر و حین و حمل غنائم و اسرا اینبار  
پر توانتر از هر بار پیوند ناگسستی خود  
را با نیروهای انقلابی نشان دادند.  
نیروهای ضد بشری خمینی پس از  
۹ ساعت مقاومت قهرمانان پیشمرگان  
مجبور به عقب نشینی شد. در ضمن

از سوی پیشمرگان قهرمان فدائی  
عملیات مشهورانه ای که نزدیک به شش  
ساعت طول کشید به مناسبت بزرگداشت  
سالروز شهادت سهروردی قهرمان  
فدائی که در جنگ و آسایش بشهادت  
رسید هبوطند انجام گرفت در این  
عملیات بیش از ۴ تن از مزدوران کشته  
و بیش از ۲ تن زخمی شدند. یک  
ماشین توپوتا کشتی دشمن بکلی  
منهدم گردید. تعدادی اسلحه  
سبک و نیز مقدار وسایل نظامی توسط  
پیشمرگان مصاربه انقلابی گردید.  
فرمانده عملیات رفیق رشید یزدان -  
پناه در این عملیات بشهادت رسید.

۲۱/۶/۶۱ - در ساعت ۸/۳  
شب چند دسته از پیشمرگان فدائی  
پس از به کنترل در آوردن و خیابان  
اصلی شهر (خیابان خلق و خیابان  
بقیه در صفحه ۱۷

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران